

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۰۰۸
جمعه ۳۰ دی ۱۴۰۱، ۲۰ ژانویه ۲۰۲۲

قرار دادن سپاه پاسداران در لیست گروه‌های تروریست

نسان نودینیان

پارلمان اروپا قطعنامه قرار دادن سپاه پاسداران در لیست گروه‌های تروریستی را تصویب کرد. و بر توقف اعدامها در ایران تاکید نمود.

سپاه پاسداران سازمان نظامی تحت فرماندهی خمینی و خامنه ای در خدمت سرکوب خونین اعتراضات مردمی است. بر کسی پوشیده نیست که سپاه پاسداران بازوی سرکوب حکومت اسلامی است. سپاه پاسداران از جایگاه "دولت با تفنگ" برای سرکوب انقلاب زن زندگی آزادی با طرح های تهاجمی، به تجمع های اعتراضی حمله میکند و با بکارگیری باتوم، تفنگ ساچمه ای و سلاحهای جنگی به بازوی اصلی سرکوب در خدمت خامنه ای و حفظ نظام شناخته میشود. سخترانی رحیم صفوی فرمانده کل سپاه در شهر قم، یکسال پس از انتخاب محمد خاتمی که در آن گفت: «ما سنگی به چاه انداختیم تا مارها بیرون بیایند و سرشان را بکوبیم. قلمها را می شکنیم و زبان های را می بریم...» ماهیت سپاه پاسداران به عنوان سازمان سرکوب و تروریستی را بیش از پیش به ثبت رساند.

سپاه پاسداران، صرفاً یک نهاد نظامی نیست. سپاه علاوه بر اینکه، یکی از بزرگترین نهادهای امنیتی ایران است، بخش بزرگی از اقتصاد ایران را نیز تحت کنترل خود دارد و جدای از آن، دارای قدرتی فراوان برای تأثیرگذاری در معادلات سیاسی داخل کشور نیز هست. سپاه پاسداران تنها به رهبری نظام - خامنه ای - پاسخگوست و از این رو از قدرت اجرایی بالایی برای اعمال نظر و سیاستهایش برخوردار است.

بیش از ۴ دهه است که مردم در ایران با توجه به کارنامه خونین و جنایتکارانه سپاه پاسداران، همواره خواهان قرار دادن این سازمان و نهاد سرکوب در لیست نیروهای تروریستی بوده اند. سرکوب در دانشگاه ها، در سیستان و بلوچستان، ترکمن صحرا، کردستان و سرکوب خیزشهای توده ای در اهواز و اصفهان، همکاری های علنی با کارفرماهای نیشکر هفت تپه علیه کارگران، سازماندهی حراست و

ادامه در صفحه ۵



ماتیفست حزب کمونیست کارگری
برای پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی
صفحه ۲

سپاه پاسداران یک سازمان تروریستی اعلام شد
کل جمهوری اسلامی تروریست است و باید بایکوت شود
صفحه ۲

حمید تقوایی: نامه سرگشاده به مسیح علینژاد و دیگر چهره های
طرفدار رضا پهلوی
صفحه ۱۴

در دفاع از آزادی بدون قید و شرط سیاسی
کاظم نیکخواه
صفحه ۳

حمید تقوایی
جایگاه و اهمیت بیانیه شورای سازماندهی اعتراضات
کارگران پیمانی نفت
صفحه ۶

شهرلا دانشفر
اعتصاب کارگران رسمی نفت، بودجه و بحران سوخت
صفحه ۶

جنایتی دیگر علیه کودکان
کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
صفحه ۱۳

هه ژار علی پور
بردگی انسان امروزی در قرن بیست و یکم بیداد می کند
صفحه ۱۳

چپ، راست و صف بندیهای تازه در انقلاب جاری
گفتگو با حمید قوائی

جمعه ۹ دی ۱۴۰۱، ۳۰ دسامبر ۲۰۲۲
ساعت ۴ بعدازظهر اروپای مرکزی، ۶:۳۰ عصر ایران
ورود برای عموم آزاد است
گرداننده: شیرین شمس، صفحه ۴

اطلاعیه ها، گزارش تصویری آکسیونهای

حزب کمونیست کارگری ایران

مانیفست حزب کمونیست کارگری برای پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی

سپاه پاسداران یک سازمان تروریستی اعلام شد کل جمهوری اسلامی تروریست است و باید بایکوت شود

امروز ۱۹ ژانویه (۲۹ دیماه) پارلمان اروپا با اکثریت آرا تصویب کرد که سپاه پاسداران یک سازمان تروریستی است. این قطعنامه ۳۲ بندی همچنین خواستار توقف اعدام‌ها در ایران و تحریم علی خامنه‌ای و ابراهیم رئیسی و خانواده‌های آنان شده است. اقدامی که مورد استقبال مردم ایران و افکار عمومی مردم آزاد جهان قرار می‌گیرد. نفس اعلام سپاه پاسداران بعنوان یک سازمان تروریستی ضربه سیاسی مهمی به جمهوری اسلامی و در مسیر فشارهای سیاسی بیشتر به جمهوری اسلامی است و آنرا در سطح جهان منفورتر و منزوی تر میکند و مردم ایران را در تداوم انقلاب مصمم تر خواهد کرد.

این یک پیشروی در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی و محصول این انقلاب و فشارهای جهانی آن به دولت‌های اروپایی است. خیزش انقلابی مردم در طول چهار ماه گذشته افکار عمومی مردم جهان را بشدت تحت تاثیر قرار داد و همبستگی و احترام عمیق صدها میلیون انسان در اقصا نقاط جهان را بخود جلب کرد. در نتیجه این حمایت و همبستگی جهانی بود که لحن مقامات دولت‌های غربی علیه جمهوری اسلامی تندتر شد، آنرا جنایتکار و کودک کش خواندند، تحریم علیه مقامات و ارگانهای حکومت را بیشتر کردند و سرانجام در ادامه این روند به تروریست بودن مهم‌ترین ارگان سرکوب و جنایت حکومت یعنی سپاه پاسداران رای دادند.

اما از نظر مردم ایران این کافی نیست. جمهوری اسلامی باید بطور کامل و همه جانبه بایکوت شود و از کلیه مجامع جهانی و از جمله از کنوانسیون حقوق کودک و سازمان جهانی کار بیرون انداخته شود. تک تک حکومت‌ها باید سفیران جمهوری اسلامی را اخراج کنند و سفرای خود را فراخوانند. اگر تا اینجا توانستیم سیاست ممانعت دولت‌های اروپایی را به تروریست اعلام کردن سپاه پاسداران تغییر دهیم میتوانیم سیاست بایکوت را هم به آنها تحمیل کنیم. میتوانیم هزینه هر نوع ممانعت با جمهوری اسلامی را بالا ببریم و به هر نوع ممانعتی با حکومت تروریست و آتمکش اسلامی، حکومت آپارتاید جنسیتی، پایان دهیم.

یک نقطه قوت مهم و تاریخی انقلاب زن زندگی آزادی جلب همبستگی افکار عمومی مردم جهان است. این یک تکیه گاه مهم مردم ایران برای پایان دادن به حکومت منحوس اسلامی است. حزب کمونیست کارگری با تمام قوا به جلب همبستگی افکار عمومی جهانی از مردم ایران ادامه میدهد و از مردم ایران در داخل و خارج کشور میخواهد که در اعتراضاتشان خواست بایکوت همه جانبه حکومت اسلامی را همه جا فریاد بزنند. جمهوری اسلامی باید به زباله دان تاریخ فرستاده شود.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ دیماه ۱۴۰۱، ۱۹ ژانویه ۲۰۲۳



انقلاب زن زندگی آزادی انقلابی است مدرن و پیشرو، چپ، آزادیخواهانه و عمیق. انقلابی علیه همه آنچه جمهوری اسلامی در ۴۴ سال گذشته با سرکوب و اعدام و زندان و شکنجه به مردم تحمیل کرده است. انقلابی که بر متن فضای رادیکال جامعه و بر شانه‌های دو خیزش عظیم توده ای در سال‌های ۹۶ و ۹۸ و با اتکا بر تجارب غنی مبارزاتی کارگران، زنان و دانشجویان و جوانان، معلمان، بازنشستگان، نویسندگان و هنرمندان، خانواده‌های دادخواه، وکلا و کادر درمان، فعالین سیاسی و فعالین جنبش‌های مختلف آزادیخواهانه و مردمی شکل گرفته و می‌رود تا طومار حکومت مرتجع اسلامی را در هم بپیچد.

این انقلابی تاریخی است برای کوتاه کردن دست مذهب و صنعت مذهب از زندگی مردم، پایان دادن به بیحقوقی و ستم و تبعیض به زنان، پایان دادن به سرکوب و دیکتاتوری و استثمار و فقر و نابرابری و به همه محرومیت‌های تاریخی اکثریت عظیم جامعه. انقلابی علیه حکومت‌های مافوق مردم و علیه بی‌اختیاری و بیحقوقی اکثریت عظیم جامعه. انقلاب علیه تمام آن ماشین جنایت و سرکوبی که طبقات حاکم نسل اندر نسل با تیغ و اسید و زندان و اعدام بر جامعه حاکم کرده اند.

انقلاب جاری از نظر آمال و ارزشها و ایده آلهایش نه تنها با اسلام و اسلام سیاسی بلکه همچنین با جنبش ناسیونالیستی و ایدئولوژی و سیستم ارزشی ملی-میهنی مغایر است. آرمان و آمال انقلاب جاری رهائی انسان و انسانیت است و نه گذشته گرائی و تاریخ نیاکان و مقدسات و تابوها و تعصبات مذهبی-قومی-ملی-میهنی که همواره ابزار سلطه و توجیه گر منافع طبقات حاکم بوده است.

انقلاب زن زندگی آزادی در عین حال انقلابی است علیه کل جنبش اسلام سیاسی و برای رهائی زنان و مردم منطقه از شر این جنبش ضد انسان و ضد زندگی. انقلابی که با پیروزی اش راه را برای پیروزی مدنیت و آزادیخواهی بر اسلام سیاسی و حکومت‌های ارتجاعی در منطقه هموار میکند.

برای پیشروی و پیروزی انقلاب، داشتن تصویر روشنی از سرنگونی نظام جمهوری اسلامی و خصوصیات نظامی که باید جایگزین آن شود مطلقاً ضروری است. اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران خواهان حکومت و جامعه ای مدرن، متمدن، انسانی و بری از هرگونه تبعیض و نابرابری از جمله تبعیضات مذهبی و قومی و ملی و جنسیتی و طبقاتی هستند. تنها نظامی میتواند این آمال تاریخی اکثریت عظیم مردم را متحقق کند که مرکز و محور ارزشها و سیاستها و قوانین اش انسان و انسانیت و ارزشهای جهانشمول انسانی باشد.

هدف فوری انقلاب سرنگونی جمهوری اسلامی و درهم شکستن ماشین سرکوب و ارگانها و نهادها و قوانین آن است. سرنگونی حکومت باید چنان همه جانبه و ریشه ای باشد که مانع بازگشت و اعاده قدرت ارتجاع در اشکال دیگر شود و به دیکتاتوری، درهیچ هیات و قالب دیگری، منجر نگردد. پیروزی نهائی انقلاب در گرو تحقق اهداف و خواسته‌های آزادیخواهانه و برابری طلبانه و رفاهی مردم است. شعار زن زندگی آزادی نماد و بیانگر این اهداف و خواسته‌ها است.

حزب کمونیست کارگری اعلام میدارد پیروزی انقلاب، به معنی

سرنگونی تمام و کمال جمهوری اسلامی و تحقق آرمانهای

ادامه در صفحه ۹

در دفاع از آزادی بدون قید و شرط سیاسی

ما از آزادی بی قید و شرط سیاسی دفاع میکنیم. از آزادی بی قید و شرط عقیده و تفکر و بیان دفاع میکنیم. این به چه معناست؟

این یعنی اینکه برای آزادی افراد و شهروندان در جامعه هیچ قید و بند و اما و اگر و قید و شرطی توسط حکومت در قوانین نباید گذاشته شود. چونکه این قید و بندها و شرط و شروط نهایتاً به ابزار محدود کردن آزادیها و دیکتاتوری تبدیل میشود.

نکته اصلی اینست که همه شهروندان مجازند و حق دارند هرچه میخواهند بگویند، هر تشکلی میخواهند درست کنند، هر عقیده ای میخواهند داشته باشند، و هر کس و هر نهادی را که میخواهند نقد و طنز کنند.

دولتی) نباید قادر به طرح دعوی افترا باشند. حقیقت باید همیشه به عنوان دفاع در دسترس باشد. سیاستمداران و مقامات دولتی باید درجه بیشتری از انتقاد را تحمل کنند. . ."

در هر حال برای توهین و افترا در قوانین کشورها قوانین ویژه ای وجود دارد که به حوزه جرائم مدنی و خصوصی مربوط میشود. به عبارت دیگر یکی به حوزه جرائم عمومی مربوط است و رابطه شهروندان با دولت را تعیین میکند و یکی به حوزه جرائم مدنی یا شخصی مربوط میشود.

طبعا کشیدن مرز میان آزادی بیان با این جنبه ها خیلی ساده نیست و بهترین کار همان است که هرچه بیشتر تغییراتی به نفع آزادی بیان صورت گیرد و افترا و توهین غیر جنائی اعلام گردد. مساله اساسی اینست که دولت نباید اجازه داشته باشد با هیچ بهانه ای شهروندان را از نظر ابراز نظر، مخالفت و موافقت با مقدسات و یا یک حزب و سیاست و تفکر، انتقاد و طنز و هنر و کل اشکال بیان، محدود کند یا زیر فشار قرار دهد. امری که

نوع قید و بند بر آزادی بیان استفاده شود.

اما اگر کسی سخنان یا نوشته ها و بیان کس دیگری را افترا و توهین به خود میداند میتواند و حق دارد اعتراض و یا شکایت کند. قوانینی در کشورهای مختلف در این رابطه وجود دارد. اما همین قوانین مربوط به افترا و توهین هم میتواند برای محدودیت آزادی بیان مورد سوء استفاده قرار گیرد. به همین دلیل اکنون در سطح دنیا شمار زیادی از نهادهای غیر دولتی از جمله عفو بین الملل و خبرنگاران بدون مرز و سازمانهای دیگر علیه این نوع قوانین موضعگیری کرده اند و اعلام کرده اند که افترا و توهین نباید بهیچ وجه جرم انگاری شود. این سازمانها در بیانیه ای چنین گفته اند "بیان نباید جرم انگاری شود مگر اینکه خطر آشکار آسیب جدی را به همراه داشته باشد. . . . از مصادیق آن قوانین منع انتشار اخبار کذب و قوانین شورش است. . . . این قوانین باید لغو شود. قوانین جنائی افترا باید لغو شود. در قوانین مدنی افترا باید این اصول رعایت شوند: نهادهای عمومی

میخواهند بگویند، هر تشکلی میخواهند درست کنند، هر عقیده ای میخواهند داشته باشند، و هر کس و هر نهادی را که میخواهند نقد و طنز کنند.

سوالی که مطرح میشود اینست که مثلاً آیا بفرض توهین به افراد در چارچوب آزادی بیان نمیکند؟ آیا افترا و اتهام زدن به افراد در چارچوب آزادی بیان نمیکند؟

بحث افترا و توهین گرچه به مساله آزادی بیان بطور کلی مربوط میشود، اما تفاوتهای ظریف و مشخصی دارد و در حوزه دیگری است. وقتی از آزادی بیان در یک جامعه و کشور صحبت میکنیم، اساساً از رابطه شهروندان با حکومت یا دولت سخن میگوییم. یعنی دولت و قوانین نباید با هیچ قید و شرطی آزادی شهروندان را محدود کنند. نباید با پلیس و قانون و زندان مانع آزادی بیان مردم شوند. اما افترا و توهین و امثال اینها به رابطه شهروندان به یکدیگر مربوط میشود. یعنی دولت حق ندارد بگوید توهین و افترا به افراد ممنوع است. چون همین میتواند بعنوان یک



کازم نیکخواه

دارند و یا آزادی اقتصادی که مقوله کاملاً متفاوتی است و ربطی به آزادی مردم ندارد و سیاست مورد علاقه لیبرالها و جریانات مدافع سرمایه داری بازار آزاد است. اینها فعلاً مورد بحث ما نیست.

آزادیهای سیاسی از نظر ما یعنی آزادی تحزب، تشکل، آزادی بیان به معنای همه جانبه آن و آزادی تفکر و عقیده، آزادی انتقاد، آزادی طنز، تمسخر، هنر، ایدئولوژی و مذهب و بی مذهبی، و کلاً آزادی از همه قید و بندها و محدودیتهای در زمینه تشکل و تفکر و بیان.

ما از آزادی بی قید و شرط سیاسی دفاع میکنیم. از آزادی بی قید و شرط عقیده و تفکر و بیان دفاع میکنیم. این به چه معناست؟

این یعنی اینکه برای آزادی افراد و شهروندان در جامعه هیچ قید و بند و اما و اگر و قید و شرطی توسط حکومت در قوانین نباید گذاشته شود. چونکه این قید و بندها و شرط و شروط نهایتاً به ابزار محدود کردن آزادیها و دیکتاتوری تبدیل میشود.

نکته اصلی اینست که همه شهروندان مجازند و حق دارند هرچه

فکر نمیکنم در دنیا جریان و شخصیت سیاسی ای باشد که ادعای دفاع از آزادی را نداشته باشد. معمولاً جریانات مختلف حتی دولت‌های محافظه کار و دیکتاتورها و سرکوبگران ادعای دفاع از آزادی را دارند اما شرط و شروطی برای آن میگذارند: آزادی بشرطی که مخل امنیت کشور نباشد، آزادی بشرطی که به کسی آسیب نرساند، آزادی به شرطی که با قانون مطابقت داشته باشد، آزادی..

همین شرط و شروط موقعی که وارد قانون میشود به ابزارهای سرکوب آزادی تبدیل میشوند. وقتی جریانی را میخواهند سرکوب و محدود کنند هزار بهانه و توجیه پیدا میکنند که فعالیت آن گروه یا آن شخص به دیگران لطمه زده، امنیت ملی را جریحه دار کرده، مقدسات را تضعیف کرده، به شخص یا اشخاصی صدمه وارد کرده و امثال اینها.

بحث ما اینجا در مورد آزادیهای سیاسی است. نه تمام آزادیها که در جای دیگری باید بحث کنیم مثل آزادی حرکت و مسافرت و نقل مکان، آزادی اجتماعی که اینها هم جوانب خاص خود را

وقتی از آزادی بیان در یک جامعه و کشور صحبت میکنیم، اساسا از رابطه شهروندان با حکومت یا دولت سخن میگوییم. یعنی دولت و قوانین نباید با هیچ قید و شرطی آزادی شهروندان را محدود کنند. نباید با پلیس و قانون و زندان مانع آزادی بیان مردم شوند. اما افترا و توهین و امثال اینها به رابطه شهروندان به یکدیگر مربوط میشود.

فرد یا لیت و یا یک اقلیت بر جامعه حاکم میشود و هیچ ابزار و اهرمی برای کنترل آن وجود ندارد، اینها قوانین را هم به سادگی زیر پا میگذارند و بی تاثیر میکنند. این نکته بسیار مهمی است. سوال اینست که چگونه میشود تضمین کرد که قوانین آزادی بیان به طور کامل رعایت شوند؟ جواب اینست که تضمین اجرایی شدن آزادی اجتماعی خود مردمند. دولت و حکومت نباید در دست یک اقلیت یا یک فرد باشد. برای آزاد زندگی کردن باید قدرت را از دست افراد و شخصیتها و اقلیتها رها کرد. در دموکراسیهای موجود در غرب که خود محصول

در دفاع از آزادی بدون قید و شرط سیاسی ادامه از صفحه ۳

در جوامع استبداد زده کاملا حاکم است. یعنی دولت تعیین میکند که چه گفته شود و چگونه گفته شود و حتی چه هنری مجاز است و چه مجاز نیست. حتی اعتقادات و تفکر افراد در جوامع مثل ایران کنترل میشود که به چه چیز معتقد باشند یا نباشند. اگر شما پی مذهب باشید، یا به خدا اعتقاد نداشته باشید یا به بهائیت معتقد باشید زندانی و سرکوب میشوید. این منتهای سرکوب آزادی بیان و عقیده است.

به همین دلایل در قوانین کشور نباید هیچ قید و شرطی در مورد آزادی عقیده، آزادی بیان، آزادی تشکل و نقد و طنز و هنر وجود داشته باشد.

اهرم تضمین کننده آزادی یک نکته مهم دیگر در این رابطه مساله تضمین عملی شدن این آزادیهاست. فقط کافی نیست که قوانین از آزادی بیان دفاع کنند. بلکه باید ابزارها و اهرمهای آزادی بیان تعریف شده باشد و شکل بگیرد. وقتی که یک

انقلابات دموکراتیک مردمی هستند، ابزاری که برای تصمیم گیری مردم تعریف شده صندوق رای است. مردم رای میدهند که چه کسی- رئیس جمهوری و وکیل و نماینده مجلس و غیره باشد. صندوق رای ابزار بسیار مهمی برای دخالت مردم است. اما مطلقا کافی نیست. دموکراسیهای پارلمانی و رای و انتخابات در مقایسه با استبدادهای خودکامه ای مثل نظامهای

کس را که بعنوان نماینده و مسئول انتخاب کرده اند هر زمان که بخواهند عزل و نصب کنند. وجود اینترنت و مدیای اجتماعی در قرن حاضر سیستم شورایی را بسیار عملی تر و امکان پذیرتر و قابل کنترل تر نموده است. در این رابطه مفصل تر میتوان بحث کرد.

بطور خلاصه یک گام مهم در تحقق آزادیهای اجتماعی تبدیل آزادی بی قید و شرط سیاسی به قانون سراسری جامعه است. و در عین حال اهرمهای موثری را باید برای تضمین عملی شدن این آزادیها و ممانعت از خودکامگی و دیکتاتوری ایجاد کرد.*

پارلمان و رای معنایش اینست که مردم خود در قدرت نیستند بلکه با رای خود یک اقلیت را به نیابت از خود به قدرت میرسানند.

پیشرفته ترین تجربه ای که برای تصمیم گیری و اختیار داری مردم تاکنون در تاریخ بشر- وجود دارد شوراهای و اداره شورایی است. مردم به کسی برای تصمیم گیری و حکومت بر خود رای نمیدهند. بلکه خود مستقیما تصمیم گیرنده اند. اینجا هم رای و اکثریت و اقلیت در حوزه هائی معنی دارد. اما تفاوت اساسی اینست که مردم عضو اتومات شوراهای در شهر و روستا و محل کار و زندگی خود هستند و در سطوح مختلف مستقیما تصمیم گیرنده اند و میتوانند هر

پادشاهی و اسلامی در کشورهایی مثل ایران، یک پیشرفت مهم تاریخی است اما تضمین کننده آزادی بیان و عقیده و تشکل برای شهروندان نیست. در کشورهای مختلف بارها در تاریخ شاهد این بوده ایم که از پارلمانتاریسم و صندوق رای، دیکتاتوری و فاشیسم و نازیسم و امثال اینها بیرون آمده و مردم را به دلیل کمونیست بودن و سوسیالیست بودن و منتقد دولت بودن و یهودی بودن وسیعا قربانی کرده است. نازیستها و فاشیستها حتی معلولیت جسمی و مغزی را جرم اعلام کرده بودند و دهها هزار معلول جسمی و روانی را وحشیانه به قتل رساندند.

نکته دیگر اینست که نفس توکل کردن به

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: نسان نودینیان

ادیتور: کاظم نیکخواه

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر

میشود

<https://www.facebook.com/wpiran>

تلگرام: https://t.me/wpi_hkki

<https://www.wpiran.org/>

<https://www.instagram.com/wpi91>

تعمیق انقلاب و تقلابهای عبث اپوزیسیون راست



جمعه ۳۰ دی ۱۴۰۱ - ۲۰ ژانویه ۲۰۲۳
ساعت ۵ بعدازظهر اروپای مرکزی ، ۷:۳۰ عصر ایران

گفتگو و پرسش و پاسخ با
حمید تقوایی
در تلویزیون کانال جدید



۰۰۴۶۷۲۲۸۰۷۰۵۲
www.kanaljadid.com

ورود برای عموم آزاد است

بخش مستقیم در بوتل ست، بایست و ترکمن عالم
اینستاگرام، توئیتر، تلگرام، فیسبوک، یوتیوب و کلاب هانس

قرار دادن سپاه پاسداران در لیست گروه‌های تروریست
ادامه از صفحه ۱



و در اعدام فعالین سیاسی
ید طولانی و خونینی دارد.

جمهوری اسلامی از
روزی که شکل گرفت، ده
ها میلیارد دلار را صرف
عملیات تخریبی در
کشورهای همسایه کرده
است. سازمان‌هایی چون
حزب الله لبنان، حماس،
جهاد اسلامی آزادی
فلسطین، حشد شعبی در
عراق، المجلس الاعلی
للثورة الاسلامیة فی العراق
(که بعدها آن را سپاه بدر
نام دادند) و ده‌ها سازمان
کوچک و بزرگ دیگر.

کارنامه تروریستی سپاه
پاسداران برای دولت‌ها و
مردم در سطح جهانی
شناخته شده است.
حمایت و کمک به گروه
های تروریستی مانند حزب
الله و گروه‌های شیعه و
سنی در عراق، با هزینه
های میلیارد دلاری کمک
به بقدرت رسیدن اسلامی
ها و ناسیونالیست‌های قومی

نیروهای گشت ارشاد و ده
ها نهاد نظامی دیگر به
منظور تسلط حکومت
اسلامی بر زندگی مردم
بخشهایی از کارنامه بیش از
۴ دهه سپاه پاسداران
است.

علاوه بر این همه
کارنامه جنایت و
سرکوبگری، سپاه پاسداران
طی سال‌های گذشته،
به‌خصوص پس از سال
۸۴ تبدیل به یکی از
بزرگترین
«دولت‌ساز» در جمهوری
اسلامی شده است؛ نهادی
که به تنهایی بخش بزرگی
از درآمدهای کشور را به
صورت مستقیم یا
غیرمستقیم به خود
اختصاص می‌دهد و با
عنوان «نگهبانی از انقلاب
اسلامی و دستاوردهای
آن» به مرور تمامی منابع
کشور را می‌بلعد. مردم به
خوبی می‌دانند که دستگاه
مخوف امنیتی سپاه
همواره حرف آخر را می‌زند

در عراق و سرکوب مردم
در بیش از دو دهه
گذشته، حمله تروریستی
به تفنگداران دریایی آمریکا
در سال ۱۹۸۳ در بیروت
که منجر به مرگ نزدیک
به ۲۴۱ افسر و سرباز
نیروی دریایی آمریکا و بیش
از ۵۰ پرسنل نظامی
فرانسوی شد، مستقر
کردن سپاه قدس در
سوریه با هزینه‌های «۳۰
میلیارد دلار» در ده سال
گذشته، هزینه‌های مالی
بیش از ۱۰۰۰ میلیارد
تومان برای مراسم اربعین
در عراق به منظور
گسترش سازمان اسلاميون
رادیكال، و قس علیهذا.

تجمع ۱۶ ژانویه ۲۰۲۳
در استراسبورگ در ادامه
ده‌ها تظاهرات وسیع و
گسترده از جمله در
تورنتو، ونکور، برلین،
بروکسل و فعالیت‌های لابی
ایستی فعالین سیاسی به
منظور بایکوت حکومت
اسلامی و سپاه
پاسداران، در ادامه
رادیكال انقلاب زن زندگی
آزادی و فشار به دولت‌های
اروپایی به منظور قطع
رابطه با حکومت
اسلامی، معادلات و تزلزل
دولت‌های اروپایی و رابطه
های اقتصادی و مماشات
جویانه آنها با حکومت
قاتل اسلامی را درهم
ریخت. در ده‌ها صبح
خاکستری که صدها
دیپلمات و صاحب‌کنسرن
و شرکت‌های قدرتمند
اروپایی در تهران تشریف
داشتند، صدها نفر توسط

حکومت اسلامی حلق آویز
و تیرباران شدند. شادی
هزاران کودک را گرفتند
دولت‌های اروپایی و دیپلمات
ها بجای اعتراض و
محکوم کردن این همه
جنایت علیه مردم در ایران
سکوت کردند و مسیر
کثیف دیپلماسی و
مماشات و امتیاز دادن به
تروریستی ترین نظام
استبدادی حکومت
اسلامی را ادامه دادند.
انقلاب زن زندگی آزادی اما
این مسیر را تغییر داد،
این مسیر را تغییر داد،
خیابان‌های ده‌ها شهر در
سطح سراسری با شعار
مرگ بر خامنه‌ای، نابود
باد حکومت اسلامی، مرگ
بر دیکتاتور با نماد زن
زندگی آزادی با پرت کردن
حجاب و صدای آزادی
خواهی و شکستن دیوار
ترس و مقاومت و تعرض
علیه سرکوبگران، حمایت‌ها
میلیونی مردم و شهروندان
ساکن کشورهای دنیا،
گسترش صف هزاران نفر
از سلبریتی‌ها از هنرمند،
شاعر و فیلمساز و بازیگر
سینما و فعالین اجتماعی
سیاسی و اقدام دیگر بالاخره
دولت‌ها و اتحادیه اروپا را به
پاسخ دادن به خواست
مردم ایران هدایت کرد. در
مذاکرات پارلمان اروپا ده
ها نماینده از کشورهای
مختلف اروپایی سخنان
خود را با زن زندگی آزادی
شروع می‌کردند و با تاکید
بر قرار دادن سپاه
پاسداران در لیست
سازمان‌های تروریستی
شفاف و روشنی اعلام

کردند.
نمایندگان پارلمان اروپا
روز چهارشنبه ۱۸ ژانویه،
به متمم پیشنهادی برای
شناسایی سپاه پاسداران
انقلاب اسلامی در فهرست
گروه‌های تروریستی
اتحادیه اروپا رای مثبت
دادند. و روز ۱۹ ژانویه
پارلمان اروپا با اکثریت
بالایی به قرار گرفتن
پاسداران در لیست
گروه‌های تروریست رای
داد. این قطعنامه یکی از
دستاوردهای انقلاب زن
زندگی آزادی علیه
جمهوری اسلامی است که در حال
دولت‌هایی را که در حال
مذاکره با حکومت بودند
به موضع انزوی این
حکومت راند.

با توجه به جایگاه
نظامی، اقتصادی، امنیتی و
سیاسی سپاه پاسداران در
بقای جمهوری اسلامی،
گنجاندن آن در فهرست
تروریستی اروپا ضربه مهمی
به رژیم خواهد زد. این
مقدمه بایکوت همه جانبه
جمهوری اسلامی در سطح
جهان است. فقط سپاه
پاسداران تروریست
نیست. کل جمهوری
اسلامی تروریست و
آدمکش و ضد ارزش‌های
برسमित شناخته شده
جهانی است.
سیاستمداران و
دیپلمات‌های تروریست و
شکنجه‌گر و آدم‌کشند.
این حکومت باید در
سطح جهان بایکوت شود

جایگاه و اهمیت بیانیته شورای سازماندهی
ادامه از صفحه ۸

سیاسی و خط و موضع کاملاً چپ هستند. همین خواست مخالفت با
دولت مافوق مردم، این که بردگی مزدی را نمیپذیریم، این خواست که
ریاضت‌کشی اقتصادی را نمیپذیریم و کمی عمیق شوید در شعار معیشت،
منزلت حق مسلم ماست، اگر دقیق بشوید در شعار "حقوق‌های نجومی
فلاکت عمومی" در همه این موارد شما می‌بینید که یک گرایش عمیق
ضد شکاف طبقاتی و ضد حکومت مفتخورها، ضد حکومت بالاسر مردم
وجود دارد و از این نظر میشود گفت که بخش قابل توجهی از فعالین و
اکتیویست‌ها و نهاد‌های درگیر مبارزات چه در طی چهار دهه اخیر و چه
امروز در این انقلاب رادیكال و چپ و هستند و با پرچم آرمان‌های
سوسیالیستی دارند مبارزه میکنند.

۱۸ فوریه ۲۰۲۳

با تشکر از امیر توکلی برای پیاده کردن متن اولیه این مصاحبه.

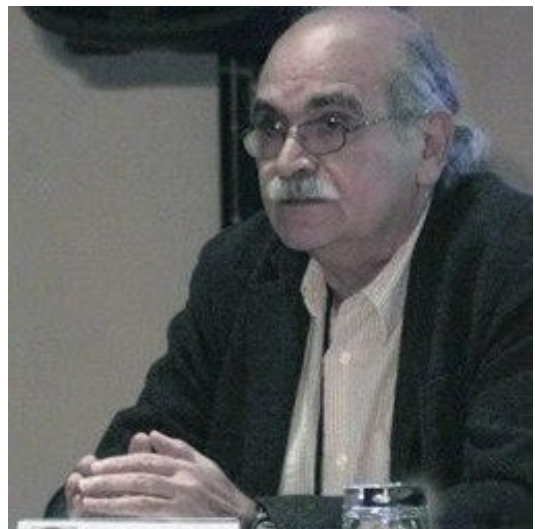




شهلا دانشفر

اعتصاب کارگران رسمی نفت، بودجه و بحران سوخت

گفتگو با شهلا دانشفر در برنامه خطر راه در کانال جدید



حمید تقوایی

جایگاه و اهمیت بیانیه شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

تئوین شده بر مبنای مصاحبه با کانال جدید

حسن صالحی: برنامه امروز سه محور دارد یکی اعتصاب و تجمع سراسری کارگران رسمی نفت، دومی قطعی گاز و بحران سوخت و اعتراضات مردمی و سوم لایحه بودجه که در این گفتگو به سرخط هایی از این سه موضوع مهم میپردازیم و با شهلا دانشفر گفتگو داریم.

شهلا دانشفر روز ۲۷ دی اعتصاب و تجمعات سراسری کارگران رسمی نفت را شاهد بودیم که با فراخوانی از قبل اعلام شده برگزار شد. در این روز چه گذشت، خواسته های فوری این کارگران چیست ؟

شهلا دانشفر: در روز ۲۷ دی کارگران رسمی نفت بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده دست به اعتصاب و تجمعات سراسری خود زدند. و این سومین تجمع و اعتراض سراسری آنها ظرف یکماه اخیر است. اولین آن در ۲۶ آذر بود که بسیار گسترده و بیسابقه بود. دومین آن در ۱۰ دیماه انجام گرفت و در این سومین حرکت اعتراضی یعنی در ۲۷ دیماه کارگران رسمی بخش عملیاتی و سکوهای نفتی اعلام کرده بودند که در این حرکت اعتراضی شرکت خواهند کرد. بدین ترتیب در این روز کارگران رسمی نفت در بسیاری از مناطق از جمله در شرکت های بهره برداری نفت و گاز غرب چشمه خوش دهلران، کارون، مارون اهواز، پالایشگاه ایلام، پالایشگاه گاز فجر جم، پالایشگاه آبادان، پتروشیمی ماهشهر و منطقه سیری (بندرلنگه)، عسلویه و خارک دست به اعتصاب زده و تجمع کردند. فریاد شعارهایی چون "وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه"، "وزیر بی لیاقت نمی خواهیم نمی خواهیم" در این اعتراضات بیانگر فضای خشم و اعتراض در میان این کارگران بود. البته از قبل نیز کارگران رسمی شاغل در ۳۴ سکوی نفتی در اعتراض به عدم پاسخگویی به خواسته هایشان از دادن گزارش روزانه میزان استخراج و تولید این شرکتها و ارائه فرمهای دستور کار تعمیرات به مقامات خودداری کردند و این خود نوعی اعتصاب بود که خلل جدی ای در کار صنعت نفت جهت توزیع گاز و میعانات گازی ایجاد کرد. کارگران اعلام کردند که تا وقتی پاسخ نگیرند به اعتراض خود ادامه میدهند. بدین ترتیب ما در بیست و هفتم دی ماه یک روز بزرگ اعتراضی در نفت را شاهد بودیم. اعتصابی در چنین ابعاد گسترده آنهم در شرایط سیاسی امروز بسیار مهم است. بویژه کارگران رسمی نفت آنهم بخش عملیاتی آن یک بخش کلیدی در نفت هستند و نفت خود یک صنعت کلیدی در اقتصاد ایران است. و اگر این اعتراضات

ادامه در صفحه ۱۰

خلیل کیوان: طی هفته های گذشته چند بیانیه از طرف تشکل ها و نهادهای مختلف در ایران منتشر شده است. اهمیت و تاثیر انتشار این بیانیه ها چیست؟ بیانیه های تشکل ها و نهادهایی مانند کانون نویسندگان، شورای بازنشستگان، شورای معلمان و اتحادیه آزاد و اخیرا بیانیه شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت که بسیار مورد توجه قرار گرفته است، و همچنین بیانیه هایی که از طرف جوانان محلات و تشکل های دانشجویی و غیره منتشر شد چه تاثیری بر روندهای سیاسی دارند؟ چه ویژگیها و تفاوت هایی بین فعالین و تشکل های جنبش های اجتماعی که از سالها و ده ها سال قبل فعالیت میکردند با فعالین و تشکل های که در دل انقلاب جاری شکل گرفته اند، وجود دارد؟ فعالین و جنبش های اجتماعی چه رابطه ای با احزاب و جنبش های طبقاتی دارند؟ درباره این موضوعات با حمید تقوایی در برنامه امروز پاسخ گفتگو میکنیم.

حمید تقوایی در جریان هستند که طی هفته های گذشته شاهد صدور بیانیه های مشترکی از سوی تشکل ها و نهادهای مختلف درباره اوضاع سیاسی، برای آزادی زندانیان سیاسی و علیه صدور احکام اعدام بودیم. علیرغم این رژیم به اعدامها ادامه میدهد. آیا صدور این بیانیه ها تاثیری در فضای سیاسی دارند؟ اهمیت این بیانیه ها چیست؟

حمید تقوایی: از دو جنبه این بیانیه ها نقش و جایگاه مهمی دارند. جنبه اول این است که چهره ها، نهادها و کمیته های سابقه دار، مجرب و دست اندرکار ده ها سال مبارزه با جمهوری اسلامی با چنین بیانیه هایی به میدان میآیند. این فعالین به یک معنا ستون فقرات و زمینه ساز انقلاب جاری هستند. از نظر نیروی محرکه و نیروی فعاله انقلاب اینها سرمایه مهم و بسیار موثری در پیشروی های انقلاب بشمار می آیند.

جنبه دوم مضمون این بیانیه ها و اطلاعیه ها است که بسیار رادیکال است و به انقلاب عمق میدهد، محتوای آنرا غنا می بخشد و باعث میشود که انتظارات و توقعات جامعه از پیروزی این انقلاب و مبارزه اش با جمهوری اسلامی ارتقا پیدا کند. این بیانیه ها را اگر شما مقایسه کنید مثلا با فعالیتهایی که نیروهای اپوزیسیون راست میکنند متوجه

ادامه در صفحه ۷

جایگاه و اهمیت بیانیه
شورای سازماندهی...
ادامه از صفحه ۶

میشوید که این نوع بیانیه ها و فراخوانها ی نهادها و چهره های جنبشهای اعتراضی است که در واقع مضمون و هدف اصلی انقلاب را صریح، روشن، و شفاف مطرح میکند و رویاروی جامعه میگذارد و جامعه را فراخوان میدهد که برای چنین خواستهها و مطالباتی مبارزه کنند. و به

این معنا محتوا و عمق میدهد به انقلاب زن، زندگی و آزادی. در واقع میتوان گفت که این بیانیه ها تبیین و تفسیر چپ، رادیکال و انسانی از شعار زن، زندگی آزادی به دست میدهد. ازینرو بیانیه های نهادها و فعالین جنبشهای اعتراضی چه از نظر بمیدان آمدن نیروی فعاله، مجرب و کارکشته ای که در مدتها در حال مبارزه با جمهوری اسلامی بوده اند و چه از نظر محتوای رادیکال و انسانی و عمیق این فراخوانها نقش موثری در تقویت انقلاب و پیشروی آن ایفا میکنند.

خلیل کیوان: شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت چند روز قبل بیانیه ای با عنوان "در ارتباط با اوضاع خطر جاری" منتشر کرد. در این بیانیه به اوضاع سیاسی و موضوعاتی از جمله قتل مهسا، فقر، زندانیان سیاسی، کشتار معترضین و اعدامها و مسائل دیگر پرداخته شده است. بیانیه شورای سازماندهی پس از توضیح اوضاع کشور خواست های خود را در ۶ بند فرموله کرده است که دو محور را در بر میگیرند. مطالبات صنفی- سیاسی و موضوعات کلان سیاسی.

محور اول شامل آزادی دستگیر شدگان،

آزادی بیان، تاکید بر شعار زن زندگی آزادی، لغو مجازات اعدام، آزادی عقیده و لغو مذهب رسمی، علیه آپارتاید جنسی و تبعیضات جنسیتی، آزادی اعتراض و تجمع و اعتصاب و تظاهرات و پایان دادن به امنیتی کردن فعالیت سیاسی، علیه تبعیض و نابرابری و تفرقه اندازی قومی و برای حقوق مساوی همه شهروندان است. در مورد طرح این خواستههای جامع چه نظری دارید؟

حمید تقوایی: به نظر من بیانیه شورای سازماندهی برای جنبش کارگری و کلا برای انقلابی که در ایران جریان دارد، یکی از گامهای مهم به پیش است. بیانیه های مشابهی هم قبلا داده شده بود ولی تک موضوعی و عرصه ای بود مثل بیانیه علیه اعدام، برای آزادی زندانیان سیاسی و علیه پرونده سازی های امنیتی و غیره. بیانیه اخیر شورای سازماندهی اعتراضات کارگران نفت از این نظر یک گام بجلو است که فقط به یک عرصه محدود نمانده است، از اعتراض علیه آپارتاید جنسی و خواست آزادی و برابری زن و علیه تبعیض به زن تا آزادی زندانیان سیاسی، تا آزادی مطبوعات، تا آزادی اعتصاب و اعتراض و تحزب تا جدایی مذهب از دولت و خواست لغو مجازات اعدام و غیره را در بر میگیرد و به این معنا تصویر جامعی از مجموعه خواستههایی که مردم دارند، اهدافی که بخشهای مختلف جامعه دنبال میکنند اعلام میکند.

بیانیه این خواستهها و اهداف را همانطور که گفتید در شش بند بطور مجزا مطرح میکند و مهمتر اینکه تمام بخشهای جنبش کارگری و

این بیانیه ها را اگر شما مقایسه کنید مثلا با فعالیتهایی که نیروهای اپوزیسیون راست میکنند متوجه میشوید که این نوع بیانیه ها و فراخوانها ی نهادها و چهره های جنبشهای اعتراضی است که در واقع مضمون و هدف اصلی انقلاب را صریح، روشن، و شفاف مطرح میکند و رویاروی جامعه میگذارد و جامعه را فراخوان میدهد که برای چنین خواستهها و مطالباتی مبارزه کنند. و به این معنا محتوا و عمق میدهد به انقلاب زن، زندگی و آزادی. در واقع میتوان گفت که این بیانیه ها تبیین و تفسیر چپ، رادیکال و انسانی از شعار زن، زندگی آزادی به دست میدهد

همانطور که اشاره شد این بیانیه دو محور داشت. محور اول که مسائل سیاسی و صنفی است که در مورد آن صحبت شد. در محور دوم بیانیه به مسائل کلان ورود میکند. بیانیه تاکید میکند که کارگران علیه دولت مافوق و اعمال قدرت از بالای سر مردم هستند. از حکومت شورایی صحبت میشود. اینها یک سمت گیری کلان برای اداره کشور است. یک جهت گیری چپ و سوسیالیستی است. طرح چنین بیانیه هایی چه تاثیری بر موقعیت چپ و راست دارد؟

همانطور که اشاره شد این بیانیه دو محور داشت. محور اول که مسائل سیاسی و صنفی است که در مورد آن صحبت شد. در محور دوم بیانیه به مسائل کلان ورود میکند. بیانیه تاکید میکند که کارگران علیه دولت مافوق و اعمال قدرت از بالای سر مردم هستند. از حکومت شورایی صحبت میشود. اینها یک سمت گیری کلان برای اداره کشور است. یک جهت گیری چپ و سوسیالیستی است. طرح چنین بیانیه هایی چه تاثیری بر موقعیت چپ و راست دارد؟

حمید تقوایی: اعلام مخالفت و اعتراض علیه دولت مافوق مردم بسیار مهم است بخاطر اینکه معنای عمیقی به مبارزه علیه دیکتاتوری میدهد. این بیانیه در واقع اعلام میکند نه تنها علیه جمهوری اسلامی و علیه دیکتاتوری مذهبی است بلکه علیه هر نوع دولت مافوق مردم است و این نقد عمیقی به دیکتاتوری است. نقد عمیقی هم به اعتراضات لیبرالی به دیکتاتوری است. نقد لیبرالی و دموکراسی طلبی مرسوم اینرا نمیگوید، نقد دموکراتیک و حتی عمیقترین و پیشروترین جنبش های لیبرال دموکراتیک و یا مبارزه

برای دموکراسی بحث شان دخالت مستقیم مردم نیست. حداکثر بحث شان صندوق رای و انتخابات پارلمانی است. بیانیه شورای کارگران نفت بسیار فراتر میرود و اعلام میکند باید هر نوع دولت مافوق مردم جمع بشود و دخالت مستقیم کارگران و توده مردم در تعیین سرنوشت خودشان تضمین بشود. یادآوری میکنم که قبلا هم در دل مبارزه اعتصاب کارگران

هفت تپه اسماعیل بخشی اداره شورایی را مطرح کرده بود. اداره شورایی هم بمعنای اداره کارخانه و مراکز تولیدی و هم بعنوان اداره سیاسی و اداره کل جامعه. در این بیانیه هم بر این دو جنبه ادامه در صفحه ۵ تاکید شده است. شورای اعتراضات کارگران نفت اعلام کرده است ما چه در محل کار و چه در زندگی اجتماعی قدرت مافوق را بر نمی تابیم و خواهان اداره شورایی جامعه هستیم. از این نقطه نظر بیانیه رو به آینده دارد و چشم انداز مقابله با دولت مافوق مردم و دخالت مستقیم شوراها در اداره امور را در برابر جامعه قرار میدهد؛ یک نقد ریشه ای و رادیکال را جلوی مردم میگذارد و انتظارات و ت

ادامه در صفحه ۸

جایگاه و اهمیت بیانیه
شورای سازماندهی ...
ادامه از صفحه ۷

وقعات نه فقط جنبش کارگری که مدتها قبل اداره شورایی را مطرح کرده است، بلکه همه بخشهای جامعه را از نفی دیکتاتوری و ریشه کن کردن سرکوب و اعمال سلطه یک اقلیتی بر جامعه ارتقا میدهد. هر نوع قدرت بالای سر مردم را جارو میکند و کنار میزند و خیلی روشن و شفاف اعلام میکند که باید حکومت به دست خود مردم باشد و ما کارگران نفت هیچ نوع دولت مافوق مردم را نمیپذیریم. این بنظر من بسیار مهم است و یکی از ویژگی های این بیانیه است که نه تنها وارد مسائل اجتماعی و عمومی مثل برابری زن و مرد و علیه اعدام و آزادی زندانیان سیاسی و سکولاریسم و جدایی مذهب از دولت و غیره شده است بلکه نقد عمیقی هم به دیکتاتوری میگذارد و تعریف رادیکال و جامعی از آزادی و رهائی جامعه بدست میدهد.

خلیل کیوان: جنبش های اجتماعی پایدارتر مانند معلمان، نویسندگان، بازنشستگان، و تشکلهائی مثل سندیکاها کارگری، شورای کارگران هفت تپه، اتحادیه آزاد کارگران، مادران خاوران و مادران آبان و بسیاری دیگر از سالها قبل فعال بوده اند و چهره های معتبر و شناخته شده ای در جامعه دارند. از سوی دیگر در دل انقلاب نهادها، تشکل ها و چهره های تازه ای در داخل و خارج عروج کرده است از جمله تشکل های دانشجویی و جوانان محلات، انجمن خانواده های قربانیان هواپیماهای اوکراینی و غیره. نقش هر کدام از اینها در اعتراضات چیست؟ چه ویژگیها و تفاوت هایی بین آنها وجود دارد؟

حمید تقوایی: این

طبیعی است و قابل انتظار هم بود که انقلاب زن زندگی آزادی هم مانند هر انقلاب دیگری عده ای را بجلو بمراند، کسانی که شاید تا دیروز زیاد هم در عرصه سیاست فعال نبودند و کسانی که با جمهوری اسلامی مخالف بودند ولی فعالیتی نداشتند. انقلاب طیف نسبتا وسیعی از این افراد را نیز فعال میکند و بمیدان می آورد. ما این امر را بخصوص در جنبش دانشجویی و دانش آموزی و کلا جوانان مشاهده میکنیم. همچنین عده ای از جامعه هنری و ورزشی علیه جمهوری اسلامی و در حمایت از انقلاب فعال شده اند. اینها قبل از آغاز این انقلاب زندگی خودشان را داشتند و درگیر مبارزه ای هم نبودند ولی امروز می بینید خیلی صریح و قاطع علیه جمهوری اسلامی ایستاده اند. این از دستاوردهای انقلاب است ولی باید توجه داشت که انقلاب از آسمان نازل نشده بلکه روی دوش یکسری اعتراضات و مبارزات اجتماعی شکل گرفته است. انقلاب زن، زندگی و آزادی بر متن جامعه ای شکل گرفته که در آن مبارزه زنان به قدمت طول عمر جمهوری اسلامی است. از همان روز اول اعتراض زن علیه حجاب که جرقه این انقلاب را زد شروع شد. از همان اسفند سال ۵۷ این مبارزه شروع شد و مدام مبارزه زنان علیه حجاب و علیه آپارتاید جنسی و کلیه تبعیضات ادامه داشت. مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، علیه عدامها، علیه پرونده سازی های امنیتی و غیره هم سابقه چند دهساله دارند. چهره هایی از جنبش کارگری که امروز همین بیانیه ها را میدهند از سالها قبل علیه پرونده سازی های امنیتی به میدان آمده بودند، علیه دستگیری ها علنا صحبت کرده بودند و

حتی رهبران جنبش کارگری دادستان کل کشور و قوه قضائیه را به چالش طلبیده بودند. اینها همه زمینه ساز و تدارک کننده انقلابی اند که ما امروز شاهدش هستیم. اینها چهره های سازنده این جنبش انقلابی هستند که الان گسترده تر شده و چهره ها و تشکلهای جدیدی به آن اضافه شده است. به نظر من با ادامه این انقلاب و با تعمیق اش نقش این فعالین شناخته شده و با سابقه جنبشهای اعتراضی هرچه برجسته تر خواهد شد.

خلیل کیوان: در یک جامعه باز فعالین و نهادها و تشکل ها با جنبش های طبقاتی مختلف تداوی میشوند و با احزاب نزدیک هستند، بعضا از یک حزب سیاسی حمایت میکنند و یا عضو آنها هستند. چرا در فضای سیاسی ایران چنین تعینی دیده نمیشود؟

حمید تقوایی: یک نکته کلیدی همین است که شما گفتید. تعین حزبی "دیده نمیشود". دیده نمیشود ولی وجود دارد. این از محاسن اختناق برای طبقات سرکوبگر، طبقات حاکم است که شرایطی را ایجاد کنند که علنا کسی نتواند بگوید که من عضو یک حزب انقلابی هستم، عضو یک حزب چپ و کمونیست هستم. این امر به این معنا نیست که چنین افرادی وجود ندارند. در شرایط

بیانیه اخیر شورای سازماندهی اعتراضات کارگران نفت از این نظر یک گام بجلو است که فقط به یک عرصه محدود نموده است، از اعتراض علیه آپارتاید جنسی و خواست آزادی و برابری زن و علیه تبعیض به زن تا آزادی همه زندانیان سیاسی، تا آزادی مطبوعات، تا آزادی اعتصاب و اعتراض و تحزب تا جدایی مذهب از دولت و خواست لغو مجازات اعدام و غیره را در بر میگیرد و به این معنا تصویر جامعی از مجموعه خواستهایی که مردم دارند، اهدافی که بخشهای مختلف جامعه دنبال میکنند اعلام میکند.

دیکتاتور همیشه دامنه نفوذ اجتماعی احزاب انقلابی و کمونیست بیش از تعداد اعضای آنهاست ولی این اعضا وجود دارند و فعال هم هستند. بخصوص در جنبش کارگری و کلا در جنبش های حق طلبانه ای که می بینید من میتوانم ادعا کنم که اکثریت بالایی از فعالین خودشان را چپ، سوسیالیست و کمونیست میدانند. از طرف دیگر احزاب هم کاملا زیر زمینی هستند. در جوامع غربی بخاطر اینکه این شرایط اختناق وجود ندارد و آزادی های نسبی وجود دارد احزاب میتوانند علنا اعلام موجودیت کنند و دفتر علنی داشته باشند و فعالیتهای علنی بکنند. در ایران چنین شرایطی نیست یعنی هم از نقطه نظر افراد که میخواهند حزبی کار کنند و هم اعلام حضور علنی احزاب دیکتاتوری سد راه است. در زیر چادر اختناق کسی نمیتواند بگوید که چند درصد از فعالین و یا کلا مردم تعلق حزبی دارند، عضو یا کادر و یا هوادار این یا آن حزب مخالف هستند. بسیاری خود را طرفدار و حتی فعال این یا آن حزب میدانند بی آنکه به کسی اطلاع داده باشند و یا جانی ثبت نام کرده باشند. اینها را نمیتوان تعیین کرد، آمار نداریم و امکانش نیست ولی گرایشهای سیاسی را

میتوانیم مشاهده کنیم. همین بیانیه هایی که درباره شان صحبت کردیم گرایش چپ و رادیکالی را نمایندگی میکنند. در حرکتها قبلی، در اعتصابات هفت تپه و در همین اعتصابات کارگران پیمانی و کارگران رسمی نفت، در اعتراضات مادران دادخواه و علیه اعدام و آزادی زندانیان سیاسی و غیره هر جا تشکلهای و چهره ها بیانیه دادند و فراخوانی دادند، اطلاعیه ای دادند، اظهار نظری کردند، می بینید که از موضعی چپ و رادیکال بوده است. من ادعا نمیکنم که همه فعالین اینطور هستند. در جنبش های اعتراضی و حتی جنبش کارگری هم گرایشهای مختلفی وجود دارد. ولی آنچه در سطح فعالین جنبش های اعتراضی که اسم بردیم قابل مشاهده است اینست که گرایش چپ مسلط است. ما در ادبیات حزب به این پدیده تحت عنوان چپ اجتماعی رجوع میکنیم. ممکن است که خیلی از این فعالین خودشان را حزبی ندانند ولی از نظر ادامه در صفحه ۵



ماتیفست حزب کمونیست
کارگری
برای پیروزی انقلاب زن
زندگی آزادی
ادامه از صفحه ۲

انقلاب، مستلزم عملی
شدن خواستها و اهداف
زیراست:

۱- انحلال دولت،
مجلس، قوه قضائیه،
دادگاهها، بنیادها و سایر
نهادهای سیاسی و اجرائی
و ایدئولوژیک رژیم

۲- انحلال فوری کلیه
نهادهای و نیروهای
جاسوسی، امنیتی،
سرکوبگر مسلح و شبه
مسلح حکومت.

۳- الغای قانون
اساسی، قانون مجازات
اسلامی، قانون قصاص،
قانون کار، قوانین ضد زن
و تمام قوانین ضد انسانی
جمهوری اسلامی.

۴- بازداشت فوری و
محاکمه علنی سران و کلیه
مقامات جمهوری اسلامی
که در انقلاب جاری و در
تمام طول حاکمیت این
رژیم مسئول، آمر و یا
عامل کشتار و جنایت
علیه مردم بوده اند. پیگرد
بین المللی مقامات فراری
حکومت.

۵- حسابرسی مالی از
کلیه مقامات حکومت و
وابستگانشان و همچنین
کلیه موسسات و بنیادهای
مذهبی، اقتصادی و نظامی
جمهوری اسلامی. مصادره
اموالی که این مقامات و
موسسات از راه دزدی و
غارت اموال مردم
تصاحب کرده اند،
بازگرداندن اموال و دارایی
های به سرقت رفته کشور
که توسط سران و مقامات
حکومتی به خارج کشور
برده شده و صرف آن در
خدمت رفاه همه افراد
جامعه.

۶- ممنوعیت مجازات
اعدام. اعدام قتل عمد
دولتی است و مطلقاً در
هیچ شرایط و تحت هیچ

بهبانه و برای هیچ جرمی
نباید اعمال شود.

۷- آزادی فوری و بی
قید و شرط همه زندانیان
سیاسی. پایان دادن به
پدیده زندانی سیاسی و
عقیدتی. هر نوع شکنجه،
ارباب، تحقیر و اعمال
فشار فکری و روانی بر
افراد بازداشتی، متهمین و
محکومین از جمله اعتراف
اجباری مطلقاً ممنوع
است.

۸- لغو حجاب و هر
نوع پوشش اجباری
مذهبی. ممنوعیت هر نوع
جداسازی زنان و مردان در
موسسات و مجامع و
اجتماعات و معابر و
وسائل نقلیه عمومی.
ممنوعیت هر نوع
جداسازی و محروم سازی
افراد از محیط اجتماعی و
امکان معاشرت با دیگران.
آموزش و پرورش مختلط
در تمام سطوح.

۹- برابری کامل و بی قید
و شرط زن و مرد در تمام
حقوق و شئون اجتماعی،
مدنی و فردی و لغو فوری
کلیه قوانین و مقرراتی که
ناقض این اصل است.

۱۰- جدائی کامل
مذهب از دولت، از
سیستم قضائی و از
آموزش و پرورش.
ممنوعیت تدریس دروس
مذهبی، احکام مذهبی و یا
تبیین مذهبی موضوعات
در مدارس و موسسات
آموزشی.

۱۱- لغو مذهب
رسمی. آزادی کامل مذهب
و بی مذهبی به عنوان
عقیده و امر خصوصی
افراد.

۱۲- ممنوعیت هر نوع
تقویت مالی و مادی و
معنوی مذهب و فعالیت
ها و نهادهای و فرقه های
مذهبی توسط دولت و
نهادهای دولتی.

۱۳- اعلام و تضمین
آزادی بی قید و شرط بیان
و اندیشه، اعتصاب،
اعتراض، تجمع، تشکل و

تحرزب. آزادی رسانه ها،
آزادی استفاده از مدیای
اجتماعی.

۱۴- برسمیت شناسی
بی قید و شرط حق تشکیل
سازمانهای صنفی و مدنی،
اتحادیه ها و شوراهای
مستقل از دولت برای
کارگران، معلمان،
دانشجویان و دانش
آموزان، کارکنان ادارات و
بطور کلی همه مردم.

۱۵- تامین رفاه و
حرمت و شادی کودکان.
مصونیت کودکان و افراد
زیر شانزده سال از هر نوع
دست اندازی مادی و
معنوی مذاهب و نهادهای
مذهبی. ممنوعیت حجاب
کودکان. ممنوعیت ازدواج
کودکان. ممنوعیت جلب
افراد زیر شانزده سال به
فرقه های مذهبی و مراسم
و اماکن مذهبی. تضمین
حق هر کودک به یک
زندگی شاد، ایمن و
خلاق. تضمین رفاه و
سعادت هر کودک،
مستقل از وضعیت
خانوادگی و سطح درآمد
خانواده.

۱۶- لغو تبعیض و
ستم ملی، قومی و اتنیکی.
برسمیت شناسی حقوق
برابر برای همه شهروندان
در همه مناطق و
استانهای کشور.

۱۷- برسمیت شناسی
حق تحصیل و فعالیت
ادبی و هنری و رسانه ای به
زبان مادری و ایجاد
امکانات لازم برای این امر.

۱۸- لغو کلیه
تبعیضات و نابرابریهای
مذهبی و جنسیتی و
حقوقی و اقتصادی و
اجتماعی و فرهنگی. باید
همه مردم به عنوان انسان
از حقوق و موقعیت و
امکانات اقتصادی-
اجتماعی کاملاً یکسانی
برخوردار باشند.

۱۹- مقابله با آلودگیها
و تخریب محیط زیست.
این حق همه شهروندان و
نسلهای آتی است که از
هوای پاک و سالم، آب

پاک، مواد غذایی سالم و
زیستن در یک طبیعت
سالم و امن برخوردار
باشند.

۲۰- برخورداری همگان
از آموزش و پرورش و
بهداشت و درمان رایگان.

۲۱- تامین فوری مبرم
ترین نیازهای رفاهی
جامعه. تعیین حداقل
دستمزد و افزایش دستمزد
با دخالت مستقیم
نمایندگان تشکل های
کارگری در مقیاس
سراسری. بالا رفتن
اتوماتیک حداقل دستمزد
به تناسب تورم. تامین
معیشت کلیه افرادی که
فاقد درآمد کافی هستند.

۲۲- رفع هر گونه
تبعیض علیه رنگین کمانی
ها (جامعه LGBTQ+)
افراد با هر گرایش جنسی
میتوانند زندگی مشترک
داشته باشند. ازدواج
رنگین کمانی ها باید به
رسمیت شناخته شود.

۲۳- آزادی همه
شهروندان در مناسبات و
روابط شخصی و
خصوصی. برسمیت
شناسی ازدواج مدنی و
"ازدواج سفید". کلیه
افراد بزرگسال، اعم از زن و
مرد با هر گرایش جنسی،
در تصمیمگیری در مورد
ازدواج و طلاق و زندگی
مشترک با یکدیگر، و در
روابط جنسی خود با سایر
افراد بزرگسال کاملاً آزادند.
روابط جنسی داوطلبانه
افراد بزرگسال با هم، امر
خصوصی آنهاست و
هیچکس و هیچ مقامی
حق کنکاش و دخالت در
آن و یا اعلان عمومی آن را
ندارد.

۲۴- زدودن هر نوع
رنگ مذهبی از ازدواج در
اسناد و مراجع رسمی
دولتی. اجرا یا عدم اجرای
مراسم خاص، اعم از
شرعی و عرفی، برای ازدواج
نقشی در رسمیت آن و
مقام آن در برابر قانون
ندارد.

حزب کمونیست

کارگری پیگیرانه و فعالانه
برای تحقق اهداف فوق
مبارزه میکند. حزب اعلام
میدارد که پیروزی انقلاب
و تحقق تمام و کمال شعار
زن زندگی آزادی تنها با
حاکمیت مستقیم
شهروندان و لغو هرگونه
حکومت مافوق مردم و با
امحای استثمار و بردگی
مزدی امکانپذیر است.

حزب برای برقراری
جمهوری سوسیالیستی،
یعنی نظام مبتنی بر اعمال
اراده و دخالت مستقیم و
مستمر مردم متشکل در
شوراها در سیاست و
حاکمیت، و خلع ید
سیاسی و اقتصادی از آیت
الله های میلیاردر و کل
طبقه استثمارگر حاکم
مبارزه میکند.

جمهوری سوسیالیستی
مورد نظر ما، نظامی است
با بالاترین سطح رفاه
عمومی، بیشترین آزادیهای
سیاسی و اجتماعی و مدنی،
عاری از هر نوع تبعیض و
نابرابری، با مرزهای باز
بروی دنیا و تنش زدائی و
سیاست مسالمت آمیز با
همه دولت ها در منطقه و
در جهان، و مبتنی بر
آخرین دستاوردهای علمی
و فرهنگی و اجتماعی و
فلسفی و هنری جامعه
بشری که امروزه در غرب
نماینده می شود.

ما همه مردم آزادیخواه
و سرنگونی طلب و همه
فعالین و نیروهای انقلابی
که پرچم زن زندگی آزادی
را به اهتزاز درآورده اند به
مبارزه برای اهداف فوق
فرامیخوانیم.

حزب کمونیست
کارگری ایران
۲۶ دی ۱۴۰۱، ۱۶
ژانویه ۲۰۲۳



بحران سوخت بحران جمهوری اسلامی است. جان و هستی مردم را به خطر انداخته است و جامعه ساکت نمی ماند. خصوصا در دل انقلاب جاری این موضوع بر خشم و اعتراض مردم بیشتر دامن میزند. از جمله با وجود برویت هوا که گفته میشود به پانزده درجه زیر صفر رسیده دیدیم در تربت جام مردم چگونه به خیابان آمدند و مقابل فرمانداری تجمع کردند. به هلال احمر حمله کردند و بخاری های نفتی ای که آنجا گذاشته شده بود را مصادره و بین خود تقسیم کردند. شعارهای ضد حکومتی سر دادند و آتش روشن کردند و تا شب در خیابان ماندند.

سطح سراسری در جنبش کارگری و در فضای انقلاب. یک تاکید مردم در اعتراضات هر روزه شان بدرست بر روی اعتصابات کارگری و اهمیت آن در فلج شدن اقتصاد حکومت و برای قدرت بخشیدن به انقلاب است. خود کارگران نیز بعنوان بخشی از همین مردم به این توجه دارند و به اشکال مختلف تلاش دارند که اعتراضات خود را شکل دهند. یک نمونه اش همین اعتصابات متوالی در نفت و با در بخش های دیگر کارگری است. مساله اینجاست که اکنون یک اعتصاب اختطاری به شکل تجمعات سراسری و بر سر خواسته های برحق آنها در یک مرکز کلیدی کارگری مثل نفت در روز ۲۷ دیماه شکل گرفته است. و همانطور که اشاره کردم این کارگران اعلام کرده اند که دیگر حاضر نیستند به این وضعیت برده وار ادامه دهند. همین حرکت اختطاری و همین گفتمان یک نقطه قدرت میشود برای انقلاب و برای کل جامعه. به اعتراضات خیابانی نپرو میدهد. همینطور زمینه را برای اعتصاب و اعتراض در بخش های دیگر کارگری فراهم تر میکند. بویژه بسیاری از مسایلی که از سوی کارگران نفت مطرح میشود مثل اعتراض به وخیم تر شدن هر روزه وضع معیشتی، اعتراض به مالیاتهای سنگین، اعتراض به وجود پیمانکاران مفتخور و اعتراض به چپاولگریها و دزدیها مسایلی سراسری هستند. بنابراین اعتراض کارگران نفت با چنین گفتمانهایی فرصتی ایجاد میکند برای شکل گرفتن اعتراض در بخش های دیگر کارگری که به میدان بیایند. بعلاوه اینکه کارگران رسمی نفت آنها هم بخش عملیاتی آن یک بخش کلیدی در خود صنعت نفت هستند. شاهرگ های نفت عمدتا

اعتصاب کارگران رسمی نفت، بویژه و بحران سوخت ادامه از صفحه ۶

به همین شکل ادامه باید تمام نفت را در بر خواهد گرفت. خواست فوری این کارگران اجرای ماده ده و پرداخت بی بک دهساله آنست که با اجرای آن به حقوق هر کارگر حداقل دو میلیون اضافه میشود. بهبود جدول بدو استخدام ماده یاد شده به نحوی که همه کارکنان با هر شرایطی با توجه به تورم های کنونی از آن سود ببرند. بهبود وضعیت بهداشت و درمان نفت در حد قابل قبول، داشتن ایمنی محیط کار، لغو مالیات های گزاف، پرداخت بی کم و کاست پاداش پایان بازنشستگی همچون گذشته در وزارت نفت و برخی مطالبات شغلی و معیشتی دیگر از دیگر مطالبات آنهاست. بعلاوه اینکه این کارگران به امنیتی شدن محیط های کار اعتراض دارند. این کارگران طی بیانیه ای محکم ضمن طرح مطالبات فوری خود با اعلام اینکه "دیگران را به قیمت جان نمیخریم" اولتیماتوم به ادامه گسترده تر اعتراضاتشان را داده اند.

حسن صالحی : یک موضوع اعتراض این کارگران عمل نشدن قول و وعده هاست و این را در شعارهایشان همانطور که اشاره کردید بازتاب دادند. اما جایگاه این اعتراضات در شرایط سیاسی حاضر را چگونه می بینید؟ این اعتصاب چه مکانی در شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی امروز ایران دارد؟

شهلا دانشفر: این اعتراضات و تداوم آن به شکل سراسری هم در خود نفت بسیار مهم و تعیین کننده است. هم در

در دست این کارگران است. به این اعتبار اعتراضات و اعتصابات متوالی آنها بر روی بخش های دیگر نفت که آنها نیز مطالبات پاسخ نگرفته دارند و در اعتراضند تاثیر میگذارد و موجب تحركات اعتراضی بیشتری در میان آنها میشود. بنابراین اگر به کل این پدیده در مجموعه اوضاع جنبش کارگری، فضای اعتراضی در نفت و اوضاع سیاسی جامعه نگاه کنید می بینید که چه جایگاه مهمی دارد. به عبارتی این اعتراضات در واقع بستر ساز اعتصابات سراسری در سطح جامعه است. و همین جا فراخوان ما به همه بخش های نفت اینست که وسیعا از اعتراضات کارگران رسمی نفت حمایت و پشتیبانی کنند. آنها نیز یعنی کارگران پیمانی، ارکان ثالث و دیگر بخش ها از فرصت استفاده کنند و با خواسته هایشان به میدان بیایند. همینطور در این توازن قوا بخش های دیگر کارگری میتوانند با مطالبات خود وارد کارزار شوند و اعتراضات همین مدت کارگری ممکن بودن و موثر بودن آنها نشان داده است. در این بستر میتوان به حرکت جامعه بسوی اعتصابات سراسری سرعت بخشید. و اعتصابات همانطور که همواره تاکید کرده ایم یک

حلقه مهم برای فلج اقتصادی حکومت، تضعیف کنترل آن بر جامعه و تقویت انقلاب و سرعت بخشیدن به سرنگونی حکومت است. بنابراین مهم است که رهبران و فعالین کارگری نیز از این زاویه و در چنین جایگاهی به این اعتراضات نگاه کنند.

حسن صالحی: سرمای زمستان است و بحران سوخت بسیاری از شهرها و مناطق با قطعی گاز روبرو شده اند. ایران یکی از کشورهای است که منابع گاز فراوانی دارد چرا بحران سوخت داریم؟ چرا گاز منازل را قطع میکنند؟ موضوع چیست؟

شهلا دانشفر: این سوالی که شما طرح میکنید موضوع اعتراض و خشم مردم است. مردم میگویند در حالیکه ایران یکی از سه کشور تولید کننده بزرگ نفت و گاز است چرا باید مشکل سوخت داشته باشیم. از سوی دیگر اظهارات سران حکومت مردم را بیشتر خشمگین میکند. اوچی وزیر نفت جمهوری اسلامی اعلام کرد که قطعی گاز سوپ ترکمنستان موجب افت فشار گاز در جنوب خراسان رضوی شده است و وعده رفع مشکل قطعی گاز را برای سال آینده را داد. از طرف دیگر وزیر نفت امروز در خارج به ارسال سوخت

برای لبنان که قبلا قولش را به همپالگی های خود داده بودند اطمینان میدهد. یک بحث دیگر اینست که لوله های گازی به موقع ترمیم نشده اند و قدرت انتقال گاز را نداشته و باعث افت و قطعی آن شده است. در عین حال شما لایحه بودجه دولت را هم می بینید که حقیقتا لایحه سرکوب مردم در انقلاب است و از هر گوشه این کشور فاجعه می بارد و یک مشت دزد و جنایتکار بر گرده جامعه حاکمند. بنابراین مردمی که همین امروز با سرما شدید زمستانی که در جاهایی به دمای ۱۵ درجه زیر صفر رسیده است با شنیدن چنین گفته هایی طبعاً خشمگین تر میشوند و راهی جز مبارزه مقابل خود نمی بینند. برای مثال در تربت جام اعتراضات گسترده بود مردم با خشم و نفرت به خیابان آمدند مقابل فرمانداری و هلال احمر تجمع کردند. شعار مرگ بر خامنه ای دادند. از نظر من قطعی نفت را در دل چنین شرایطی و وجود حکومتی که زندگی و معیشت و امنیت و همه چیز را از مردم گرفته است باید دید و توضیح داد. از جمله شما یکرورز خبر فروریختن سقف مدرسه ای در آبادان را میشنوید. یکرورز خبر مرگ خاموش دهها نفر بر اثر قطع و ادامه در صفحه ۱۱



اعتصاب کارگران رسمی نفت، بودجه و بحران سوخت

ادامه از صفحه ۱۰

وصل شدن مکرر گاز خانگی در استانهای خراسان و در اثر استفاده از سوخت هیزم و سوخت های غیر استاندارد را می شنوید. و بیمارستانها بخاطر سرمای شدید پراز بیمار شده است. و حقیقتا فشار سنگینی بر گرده مردم وارد شده است.

حسن صالحی: شما اشاره ای به تربیت جام و اعتراضات مردم داشتید. آیا بحران سوخت میتواند دردل انقلاب جاری به عاملی برای شدت یابی اعتراضات مردم تبدیل شود و اعتراضات در تربیت جام فراگیر شود؟

شهلا دانشفر: بحران سوخت بحران جمهوری اسلامی است. جان و هستی مردم را به خطر انداخته است و جامعه ساکت نمی ماند. خصوصا در دل انقلاب جاری این موضوع بر خشم و اعتراض مردم بیشتر دامن میزند. از جمله با وجود برودت هوا که گفته میشود به پانزده درجه زیر صفر رسیده دیدیم در تربیت جام مردم چگونه به خیابان آمدند و مقابل فرمانداری تجمع کردند. به هلال احمر حمله کردند و بخاری های نفتی ای که آنجا گذاشته شده بود را مصادره و بین خود تقسیم کردند. شعارهای ضد حکومتی سر دادند و آتش روشن کردند و تا شب در خیابان ماندند. جالب اینجاست در شرایطی که مردم در شرایط سرما اینگونه جانشان در خطر است، متحد و همبسته مقابل حکومت ایستاده اند. گفته میشود مردمی که توان اقتصادی پایین دارند با روشن کردن هیزم و بستن پتو به خود از یخ زدن خون بدنشان در برابر برودت هوا از خود

محافظت میکنند. امروز در ایران ما شاهد این هستیم که هر فاجعه ای به این منجر میشود که این حکومت چپاول و فقر و جنایت باید سرنگون و هر چه زودتر بساطش جارو شود. ما می بینیم که در اوج این مشقات مردم دارند شعار مرگ بر خامنه ای سر میدهند. شب ۲۶ دی در مشهد نیز شاهد شعاردی شبانه مردم علیه حکومت بودیم. گفتنی است که قطعی گاز ابعاد بسیار اجتماعی و تکان دهنده ای پیدا کرده است. در این میان محترکین هم بساط خود را راه انداخته و گاز را با قیمت کلان به دارو دسته های خود میفروشدند و پولهای کلان به جیب میزنند و اینجا نیز مردم لحاظ اعتراضی بشدت انفجاری است. البته مساله محدود به قطع گاز نیست. بلکه ما شاهد صف های طویل خودرو ها برای گرفتن بنزین در مازندران و اراک و جاهای دیگر هستیم. برق نیز دچار قطعی میشود. و قطعی نفت حتی برای استفاده از وسایل برقی برای گرمی را مشکل کرده است. نفت سفید هم پیدا نمیشود و حتی در همین تربیت جام مردم با مشکل کمبود آب هم مواجه شده اند. اینها همه

به معنی گرفته شدن هستی و زندگی از مردم توسط این حکومت چپاولگر است. روشن است که مردم در برابر این وضعیت می ایستند و قبول نمیکنند. در این شرایط باید صف های تهیه سوخت را به محل اجتماع و اعتراض علیه حکومت تبدیل کرد. دولت در قبال زندگی و معیشت مردم مسئول است.

حسن صالحی: در صحبت هایتان به مساله بودجه اشاره ای داشتند. بودجه ای که جمهوری اسلامی برای سال ۱۴۰۲ در نظر گرفته است و در مجلس در حال بررسی و تصویب است، بودجه ای است که در شرایط ویژه ای تدوین شده و از همین رو بودجه زیادی به نیروهای سرکوب خود اختصاص داده اند. تا بلکه بتوانند اعتراضات مردم را سد کنند و تا آنجا که به مساله دستمزدها بر میگردد سطح آن هنوز چند برابر زیر خط فقر نگاه میدارند. ارزیابی شما از لایحه بودجه چیست؟

شهلا دانشفر: در وهله اول همانطور که اشاره کردید این بودجه، بودجه سرکوب است. نشانگر هراس جمهوری اسلامی از انقلاب مردم و تدارکی در جهت بالا بردن قدرت مقابله حکومت با انقلاب است. در عین

حال این بودجه، بودجه یک حکومت ورشکسته اقتصادی و مافیایی و چپاولگر است. در این لایحه ارقامی نجومی برای دم و دستگاه مذهب اختصاص داده شده است و میلیاردها تومان به این دستگاهها اختصاص داده شده است. همینطور بودجه هنگفتی به نیروهای مختلف سرکوب اختصاص داده شده است. که میلیاردها پول است. صدا و سیما هم که خود جزئی از دستگاه سرکوب است افزایش بودجه داشته است. اختصاص بودجه های میلیاردی به نیروهای سرکوب سیاست همیشه حکومت بوده است. موضوع اینست که امسال این افزایش چشمگیرتر و بعضا افزایش دو برابری داشته اند. جمهوری اسلامی با چنین بودجه بندی ای میخواهد با ریخت و پاش پول هم صف خود را سیراب کند و راضی نگاهدارد. و هم ابزار سرکوب خود را حدادی کند. و در مقابل انقلاب مردم سازمان بهتری به آنها بدهد. در مقابل نتیجه همه اینها چپاول بیشتر مردم و تحمیل فقر و فلاکت بیشتر بر کل جامعه است. در این لایحه همه وعده شان به مردم تحت عنوان " برنامه های دولت برای ارتقای رفاه و معیشت مردم" و تحمیل فقر

بیشتر است. در همین سه ماه اخیر قیمت دلار افزایش ۵۰ درصدی داشته و تورم و گرانی بطور سرسام آوری رشد داشته است و قیمت اجناس ر شد صعودی دارد. ضمن اینکه رسانه های حکومتی خود به خط فقر سی میلیونی اشاره کرده اند. وزارت کار نیز در گزارش سالانه اش از دو برابر شدن خط فقر، کشیده شدن یک سوم مردم به زندگی زیر خط فقر در دهه نود شمسی، و از رسیدن خط فقر مطلق یک خانوار چهار نفره در سال گذشته به چهار میلیون و پانصد و چهل و یک هزار تومان در سطح کشور و برای ساکنین تهران به هفت میلیون و چهارصد هزار تومان خبر داد. همچنین در گزارشات دیگری خوانیم که بیش از ۵۰ درصد بازنشستگان زیر ۵ میلیون حقوق میگیرند. حال با افزایش ۲۰ درصدی ای که لایحه بودجه وعده میدهد نهایتا حقوق ۵ میلیونی آنها به ۶ میلیون میرسد که باز چند بار زیر خط فقر است. بعلاوه قیمت سنگین مسکن کولاک میکند و هر روز بر شمار حاشیه نشینی و مردم بی مسکن افزوده میشود. و یا اگر حق اولاد ۵۰ درصد اضافه شود تا زه به رقمی



اعتصاب کارگران رسمی نفت و بحران سوخت

ادامه از صفحه ۱۱

حدود ۷۰۰ هزار تومان خواهد رسید. از حق اولادی صحبت میکنند که از تحصیل رایگان محروم است. از جمله مرکز پژوهش‌های مجلس اسلامی از بر خارج ماندن یک میلیون و دویست هزار دانش آموز در سال جاری از چرخه تحصیل در پنج استان سیستان و بلوچستان، خراسان رضوی، تهران، خوزستان و آذربایجان غربی خبر میدهد.

از سوی دیگر بر اساس لایحه بودجه مزد بالای هفت میلیون بصورت پلکانی مشمول پرداخت مالیات میگردد و مالیات‌ها یک بخش مهم منبع مالی بودجه سال ۱۴۰۲ است و این نیز خود سیاست سرکیشه کردن مردم است. بطوریکه از لایحه بودجه ۱۴۰۲ به عنوان پرمالیات‌ترین بودجه پس از انقلاب ۵۷ صحبت میشود و بر اساس آن هم بصورت گرفتن مالیات مستقیم از در آمد و هم بصورت کشیدن بر روی قیمت کالاها از مردم اخاذی میشود. از همین رو انتشار این لایحه به موجی از اعتراض در مدیای اجتماعی دامه زده است. مردم می‌بینند که چگونه منابع و ثروتهای کشور در خدمت گسترش نیروی سرکوب و چپاولگران حکومتی است و آنها باید بخاطر سرمای زمستان، بخاطر گرسنگی و فقر چنین قربانی دهند و با این

حکومت هر روز زندگی شان بدتر میشود. مردم امروز به روشنی میدانند که بحث فراتر از مطالبه است. مردم میگویند دولت موظف است که بحران سوخت را حل کند. دولت موظف است زندگی و معیشت جامعه را تامین کند و شب هم به خیابان می‌آیند و شعار مرگ بر دیکتاتور سر میدهند. مردم به خیابان می‌آیند و شعار فقر، فساد، گرانی، میریم تا سر نگونی را سر میدهند. و با این شعار لایحه بودجه را باید توی سر حکومت زد. این بساط چپاول و غارتی که به پا کرده اند را باید توی سر حکومت خراب کرد. و اینها بطور واقعی موضوع اعتراضی هرروزه مردم در انقلاب جاری بوده است.

حسن صالحی: الان مساله قطعی گاز و بحران سوخت را داریم. مردم صدای اعتراضشان بلند تر شده است. از یک طرف به دستگاههای سرکوب و مذهبی و خرافه پراکنی شان بودجه کلان داده اند و از سوی دیگر بودجه اندکی به مردم از جمله برای افزایش دستمزد و غیره اختصاص داده اند. و همانطور که اشاره کردید این لایحه به موجی از خشم و اعتراض در میان مردم دامن زده است. اعتراض به این محورها در دل شرایطی که بعد از انقلاب زن، زندگی، آزادی شکل گرفته است، چگونه باید پیش رود؟ مردم مطالبات برحق دارند و در عین حال یکی از مسایل محوری این انقلاب این بود که

جمهوری اسلامی باید برود و نابود گردد. در این مورد خوئیست بیشتر توضیح بدهید.

شهلا دانشفر: سوال مهمی است. همانطور که آمارها از فقر و فلاکت مردم بسیار تکان دهنده است، چپاولگری های حکومت هم حد و مرز ندارد و یک موضوع خیزش های مردمی از سال ۹۶ تا کنون اعتراض علیه همین وضعیت و علیه تبعیض و نابرابری و دزدیها و اختلاسها بوده است. امروز در دل یک انقلاب این موضوعات بیشتر به خشم و اعتراض مردم دامن میزند و حادثه خواهد شد. همین الان رزمه های اعتراض و تجمع در میان بازنشستگان بلند شده است. و اینها یک نیروی رزمنده این جامعه هستند. با سهمی که لایحه بودجه برای بازنشستگان در نظر گرفته و خبری هم در تحصیل رایگان و درمان رایگان برای مردم این جامعه نیست معلوم است که اعتراضات در میان آنها شعله ور تر خواهد شد. همین الان آخر سال است و بحث بر سر میزان حداقل

دستمزدها داغ میشود و این خود باز جرعه ای بر خشم کارگران علیه فقر و گرانی خواهد بود. و معلوم است که مردم ادامه این وضعیت را نمی‌پذیرند. بنابراین پاسخ عملی کردن همان شعار است که مردم در خیابان فریاد میزنند. شعار "فقر، فساد، گرانی، میریم تا سرنگونی". انجام عملی این شعار نیز نیاز به اتحاد سراسری مردم دارد. قطب رادیکال و معترض جامعه کارگران، معلمان، بازنشستگان با بیانیه ای جمعی خود علیه لایحه بودجه حکومت باید کیفرخواستی را اعلام کنند و صف قدرتمندی از مبارزه را به نمایش بگذارند. اعلام کنند که این شرایط را قبول نمیکنند و مقابله می‌ایستند. اعلام کنند که حق خود میدانند که از زندگی ای انسانی برخوردار باشند. اجازه نمیدهند که از بالای سرشان این چنین زندگی و معیشتشان رقم زده شود. و بدین ترتیب با قدرت شوراهایشان، با قدرت اعتصابات سراسری، با قدرت گفتمان‌ها و بیانیه های متحد سراسری یک صف مبارزاتی سراسری را

تشکیل دهند. با چنین کاری طبعاً انقلاب وارد مرحله بالاتری شده و کیفیت جدیدی به خود خواهد گرفت. و اینجا باردیگر باید تاکید بیشتری بر اعتصابات سراسری کارگری داشته باشیم. از جمله همانطور که اشاره کردم الان اعتراض در بخش های مختلف نفت گسترده است. یک جهت مهم این اعتراضات و اعتراض در کل جامعه باید به این سو باشد که قاطعانه به حکومت اعلام کنند که لایحه بودجه شما را قبول نمیکنیم. آنرا توی سرتان خراب میکنیم. از حق و حقوقمان نمیگذریم. و حکومت فقر و فلاکت سرنگون سرنگون. و این پاسخ واقعی به لایحه بودجه و گستاخی های حکومت است و جامعه نیز امروز در همین حال و هوا قرار دارد. این را در بیانیه ها، در گفتمان‌ها و در بحثهایی که در سطح جامعه مطرح است و در شعارهای اعتراضی مردمی به وضوح شاهد هستیم.

حسن صالحی: متشکرم از اینکه در این برنامه شرکت کردید*

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید

جنایتی دیگر علیه کودکان



اعلام نموده‌اند.

سالم و امنیت و سلامت در همه زمینه‌ها برای کودکان میباشند.

به یمن انقلاب زن، زندگی، آزادی و تلاش‌های جهانی، جمهوری آپارتاید جنسی اسلامی را از کمیسیون مقام زن اخراج کردیم. اینبار برای داشتن جهانی بهتر برای همه کودکانی که نیاز دارند بدور از هرگونه وحشت، فقر و سرکوب وزندان باشند و استعدادهایشان رشد یابد، باید جمهوری اسلامی را به عنوان حکومتی کودککش، از کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل و سازمان یونیسف اخراج کرد و سنگر به سنگر جمهوری اسلامی را شکست داد و به زیاله دان تاریخ انداخت.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
۱۶ ژانویه ۲۰۲۳
۲۶ دیمه ۱۴۰۱

جمهوری کودک کش اسلامی طی چهار ماه گذشته با حمله به مدارس، ضرب و شتم و بازداشت و ربودن دهها دانش آموزان و صدور احکام اعدام برای کودکانی که علیه حجاب اجباری و قوانین ارتجاعی حاکم بر مدارس مبارزه کرده اند، اوج استیصال و درماندگی خود را به نمایش گذاشته است.

بر اساس تعاریف قوانین کنوانسیون حقوق کودکان و یونیسف «کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات لازم را جهت تضمین حمایت از کودک در مقابل تمام اشکال تبعیض، مجازات بر اساس موقعیت، فعالیتها، ابراز عقیده و یا عقاید والدین، قیم قانونی و یا اعضای خانواده کودک به عمل خواهند آورد.» و ملزم به تامین فضای آموزشی

حسین پناهی سعی می‌کند از دست نیروهای سرکوبگر فرار کند؛ سپس متوجه می‌شود که نیروهای امنیتی سرویس مدرسه‌اش را تعقیب می‌کنند خود را از ماشین در حال حرکت، با سرعت بسیار به پایین، پرت می‌کند.

بر اساس گزارشات غیرمستقیم از پرونده پزشکی هستی، پزشکان علت مرگ مغزی را ضربه مستقیم به سر

سندج منتقل گردید. با توجه به سطح خیلی پایین هوشیاری و مابقی علائم حیاتی، پزشکان از به هوش آمدن هستی قطع امید و پیشنهاد ترخیص و نگهداری از هستی در منزل را داده‌اند.

بنابر گزارشات منتشر شده روز ۱۹ آبان در دهگلان، ماموران با باتوم هستی و چند دانش آموز دیگر را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند؛ هستی

پزشکان از به هوش آمدن #هستی_حسین_پناهی قطع امید نمودند

بیشتر از دو ماه است که هستی حسین پناهی^[۱]، دانش آموز ۱۶ ساله، اهل روستای قروچای از توابع دهگلان، استان کردستان، در گما به سر می‌برد. روز ۱۹ آبان، هستی حسین پناهی، در اثر ضربه‌ی باتوم به ناحیه سر آسیب دیده و به بیمارستان کوثر

بردگی انسان امروزی در قرن بیست و یکم بیداد می‌کند

کامل و گرسنگی مطلق دارند دست و پنجه نرم می‌کنند، فقر و بیکاری، گرسنگی و بیماری، فروپاشی و از بین رفتن شیرازه زندگی میلیونها ایرانی، حقارت و فرودستی، تحقیر و توهین و سرکوب و انواع تبعیضات از سر و کول آن جامعه بالا رفته و اینبار راه بازگشتی نه برای ما توده مردم به عقب وجود دارد و نه برای بقای حکومت قاتلان اسلامی!!!

جمهوری اسلامی نابود باید گردد

زنده باد انقلاب توده‌های مردم در ایران

هه ژار علی پور
۱۵ ژانویه ۲۰۲۳، ۲۶ دی ماه ۱۴۰۱

حکومت قتل و کشتار، فقر و فلاکت و آدمکشان اسلامی را از ریشه بزنند. حکومت یک مشت دزد و انگل و بی‌سروپا و جانبدار که در چهار دهه گذشته به جز این وضعیت فلاکت‌ناپذیر معیشتی و فقر و گرانی و گرسنگی هیچ ارمغانی برای اکثریت عظیم توده مردم ایران به همراه نداشته است. این رژیم به فقرا رفته و در حال انزوای کامل و طرد شدن از سوی جامعه جهانی است و مردم بزودی باید خود را برای آخرین خیزش یا انقلاب سرنگونی طلبانه و پایان دادن به این جانبداران و جلادان دزد و قاتل آماده کنند.

دیگر فقر نسبی یا خط فقر نداریم، مردم با قحطی

گرسنگی تنها راهی را که در مقابل هزاران انسان باقی گذاشته، زدن به کوهستانهای پر از پرف و یخبندان و سرمای کشنده در زمستان است. این انسان‌های شریف همان به حاشیه‌رانده شدگان سیستمی هستند که ما حاصلش حکومت قاتل و مافیاهای حاکم و دزدان و آدمکشانی هستند که بشریت را به این روز انداخته‌اند.

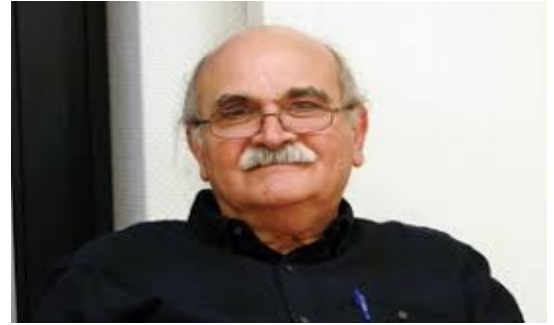
حکومت پوشالی و جنایتکار اسلامی در سه ماه گذشته با خیزش میلیونی توده مردم که بعد از قتل مهسا امینی شروع شد، تمام اقشار جامعه به مقابله با آن خروشیده‌اند و این مردم می‌خواهند تار و پود این هیولای جنایتکار و



کارگران و زحمتکشانی که در ازای دریافت چندرغاز کرامت و اختیارشان را سیستم فاشیسم اسلامی و سرمایه‌داری حاکم بر ایران و یک حکومت قاتل از آنها گرفته است. انتخابی از روی اجبار برای زنده ماندن و تسلیم نشدن در برابر

اینجا کوهستان‌های سر به فلک کشیده در قلب کردستان است و فلاکت اقتصادی و بیکاری دامن گیر هزاران انسانی شده که به جرم به دست آوردن آن «تکه‌ی نان» جانشان را کف دست گذاشته‌اند و مرگ را در آغوش کشیده‌اند.

نامه سرگشاده به مسیح علینژاد و دیگر چهره های طرفدار رضا پهلوی



همراهی های اخیر شما با رضا پهلوی اعتراضات زیادی را در مدیای اجتماعی و در جامعه برانگیخته است.

در دوران پهلوی کوچکترین انتقاد و مخالفتی با ساواک و زندان و شکنجه پاسخ میگرفت. آزادخواهان از کودتای ۳ اسفند تا کودتای ۲۸ مرداد تا آخرین روزهای حکومت محمدرضا شاه، ممنوعیت احزاب و مطبوعات و هر نوع تشکل و فعالیت مدنی و سیاسی، و بازداشت و شکنجه و اعدام سیستماتیک مخالفین در پرونده خاندان پهلوی ثبت است.

رژیم پهلوی تماما رژیم دیکتاتوری و ضد آزادی بود. گرچه جمهوری اسلامی سرآمد جانان تاریخ است و دیکتاتوری را تا سطح زندگی خصوصی مردم بسط داده است اما توحش این حکومت نباید باعث شود تا اختناق که "گورستان آریامهری" لقب گرفته بود را فراموش

تکلیفشان را با جنایات دوره پهلوی نیز روشن کنند. هر آزادیخواه صادق و بیگیری باید علیه همه دیکتاتوریهها باشد.

جمهوری اسلامی یکی از وحشی ترین دیکتاتوریهای جهان معاصر است اما تاریخ اعدام و سرکوب در ایران با جمهوری اسلامی شروع نشده است. هدف انقلاب زن زندگی آزادی بازگشت به گذشته نیست بلکه خاتمه بخشیدن به هر نوع دیکتاتوری است. انقلاب شکوهمند جاری و همه مردم بباخاسته ایران، از دهه بیستی ها تا دهه هشتادی ها، عزم جزم کرده اند که به هر نوع دیکتاتوری در ایران پایان دهند. این یک تسویه حساب تاریخی جامعه با استبداد و سرکوب در تاریخ معاصر ایران، از انقلاب مشروطه تا به امروز است. جنگ با

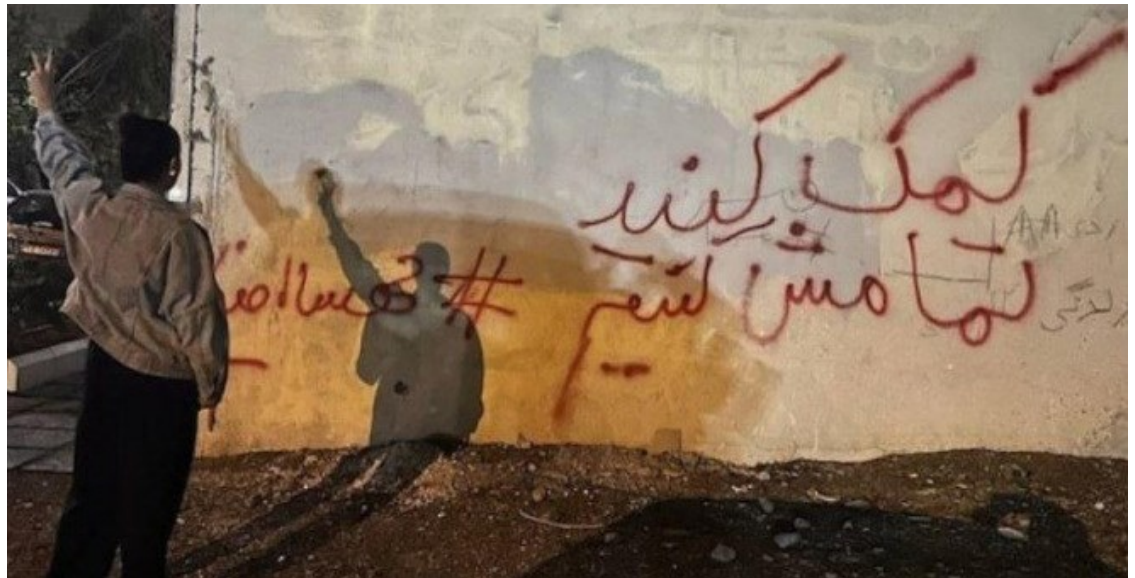
رکورد جمهوری اسلامی در سرکوب و اعدام نباید باعث شود تا به روی جنایات حکومت پهلوی چشم ببندید. جنایات جمهوری اسلامی بی حد و حصر است اما جنایت با هر کمیتی جنایت است. از میرزاده عشقی و فرخی یزدی تا دکتر فاطمی و خسرو روزبه و مرتضی کیوان و تا خسرو گسرخ و کرامت دانشیان و صدها آزادیخواه دیگر از جمله بیژن جزنی و ۸ نفر دیگر از زندانیان سیاسی که مخفیانه در تپه های اوین تیرباران شدند از قربانیان رژیم پهلوی هستند. ما دهه سی و چهلی ها هم نه می بخشیم و نه فراموش به پای پسر نوشت ولی کسی که اعتبارش را از خاندانش میگیرد و همه کسانی که به او اعتبار میدهند موظفند

جمهوری اسلامی در بطن و مضمون خود جنگی است علیه دیکتاتوری و اختناق در هر شکل و با هر عنوانی. با نوستالژی دیکتاتوری پهلوی نمیتوان به جنگ دیکتاتوری جمهوری اسلامی رفت. مساله تنها به گذشته هم محدود نمیشود. همین امروز تحرکات شاه الهی ها در خارج کشور، شعبان بی مخهای سینه چاک "شاهزاده"، کاملاً در خدمت جمهوری اسلامی عمل میکند. بر "شاهزاده" حرجی نیست ولی حداقل انتظار از مسیح علینژاد و دیگر مدعیان دفاع از انقلاب اینست که جنایات دوره پهلوی و شاه الهی های دیروز و امروز را صریح و روشن و قاطعانه محکوم کنند.

حمید تقوائی
۲۸ دی ۱۴۰۱، ۱۸ ژانویه
۲۰۲۳

رقص و شادی و شعار دهی مردم بخاطر قرار گرفتن سپاه در لیست تروریسم

تروریست و آدمکش و ضد ارزشهای پیشرو بشری است و باید خواست بایکوت همه جانبه جمهوری اسلامی و اخراج سفرا و نمایندگانش به موضوع بیانیه های اعتراضی مردم در ایران قرار گیرد. با همین قدرت میتوان دولت ها را به پای بایکوت کامل جمهوری اسلامی کشاند. بنا به یک گزارش دیگر امروز در شهر ایذه در چهلمین روز قتل دختر جوان دنیا فرهادی مردم بسیاری گرد آمدند و با فریاد شعارهای ضد حکومتی یاد او را گرمی داشتند.



نابود باد حکومت اسلامی!
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ دی ۱۴۰۱، ۱۹ ژانویه
۲۰۲۳

اتحادیه اروپا بدنبال چهار ماه تظاهرات و انقلاب قدرتمند مردم صورت میگیرد که دولتها را به صرافت موضعگیری علیه این نیروی ضد انسانی سوق داد. نه فقط سپاه پاسداران بلکه کلیت جمهوری اسلامی

"بسیجی"، سپاهی داعش ما شمائید"، "امسال سال سید علی سرنگونه"، "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر دیکتاتور. قرار گرفتن پاسداران در لیست تروریستی توسط

آمدن به خیابان و برپایی بساط رقص و شادی و آتش بازی از قرار گرفتن سپاه جنایتکار جمهوری اسلامی در لیست تروریستی توسط اتحادیه اروپا استقبال کردند. مردم فریاد میزدند: "مرگ بر سپاهی"، "مرگ بر

امشب ۲۹ دیماه در محلات مختلف تهران و شهرهای مختلف مردم با فریاد مرگ بر دیکتاتور قرار گرفتن سپاه پاسداران در لیست تروریسم را جشن گرفتند. در شهرهای بندرعباس، بوکان، مهاباد، سقز و هرمزگان مردم با

اعتصاب کارگران پایانه نفتی قشم، یادمان شادمان احمدی و اخباری دیگر

امروز از آلودگی هوا در اصفهان در ثر مازوت سوزی گزارش میدهد. - فردا روز تجمع مردم در زاهدان مثل جمعه های دیگر است. در هراس از برگزاری یک تجمع بزرگ مردمی دیگر علیه حکومت اسلامی، رژیم اسلامی نیروی سرکوب بسیاری به این منطقه گسیل کرده و شهر را در محاصره خود در آورده است.

- شب گذشته نیز همچون شبهای دیگر در محلات مختلف تهران از جمله اکباتان، تهرانسر و همچنین در شهرهای دیگر شعاردی علیه جمهوری اسلامی جریان یافت.

نابود باد حکومت اسلامی! حزب کمونیست کارگری ایران ۲۹ دی ۱۴۰۱، ۱۹ ژانویه ۲۰۲۳

- امروز در چهلمین روز قتل شادمان احمدی مراسمی با حضور بسیار مردم در دهگلان بر پا شد. مردم در این مراسم شعار میدادند: "مرگ بر جاش (مزدور)"، "مرگ بر سپاهی"، و "مرگ بر خامنه‌ای". مراسم های یادمان به محلی برای اتحاد و فریاد اعتراض مردم علیه حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی و سرنگونی تبدیل شده است.

- بحران سوخت و قطعی گاز ادامه دارد و صف های طولانی مقابل جایگاههای سوخت رسانی شکل گرفته و این وضعیت نابسامان باعث بر پا شدن موجی از اعتراض در میان مردم شده است. در کنار بحران سوخت استفاده از مازوت و استشمام هوای مسموم موضوع اعتراض دیگر مردم است. خبرهای



صندوق بازنشستگی نفت و اصلاح اساسنامه آن از جمله مطالبات اعلام شده این کارگران است. اعتراضات در نفت گسترده است و اعتراضات پی در پی کارگران رسمی نفت مستقیم بر فضای کل مراکز نفت و پتروشیمی تاثیر میگذارد و یک بستر مهم برای سازماندهی اعتراضات سراسری در نفت است.

آن، لغو مالیاتهای سنگین بر حقوقها، بهبود وضع درمان و بهداشت در نفت و بالا بردن استاندارد آن، پرداخت بی کم و کاست پاداش پایان بازنشستگی همچون گذشته در وزارت نفت، رسیدگی لازم به وضع بازنشستگان صنعت نفت و بهبود زندگی آنها، رسیدگی به وضعیت نابسامان و نگران کننده

در کنار اعتراضات مردمی اعتراضات در مراکز کارگری بویژه در مراکز مختلف نفت ادامه دارد. بدنبال تجمع سراسری کارگران رسمی نفت و برگزاری این تجمعات در بیش از ده شهر در روز گذشته، امروز پنجشنبه ۲۹ دیماه این کارگران در پایانه نفتی قشم نیز تجمع کردند. اجرای کامل ماده ده و پرداخت پی بک دهساله



شعاردهی های شبانه در گرامیداشت یاد محسن شکاری و تجمع اعتراضی معلمان سقز



روز گذشته چهلمین روز قتل محسن شکاری و اعدام او بدست جلادان جمهوری اسلامی بود. در این روز مزار او را از ترس حضور وسیع مردم بشدت امنیتی کرده بودند و مانع تجمع شدند. اما مردم در محلات مختلفی در تهران با شعاردهی های شبانه یاد او را گرامی داشتند. از جمله در هفت حوض که محل سکونت او بوده شعاردهی وسیع بود و فریاد مرگ بر دیکتاتور بر فضای خیابانها طنین انداخته بود. نیروهای امنیتی و انتظامی نیز در میدان ۸۶ هفت حوض، نزدیک منزل محسن

شکاری، برای مقابله با تجمع مردم هفت حوض مستقر بودند و بخاطر حجم زیاد گاز اشک آور که توسط سرکوبگران شلیک میشد مردمی که شعار میدادند دچار سرفه های شدید شده بودند. اما شعاردهی ها مدتی ادامه یافت. شب گذشته علاوه بر هفت حوض در محلات دیگر تهران از جمله تهرانسر، شهرک باقری منطقه ۲۲، اکباتان مردم وسیعا از پنجره ها شعار میدادند: "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر خامنه ای"، "امسال میوه کشته سپاه مرگ بر کل نظام"، "این همه سال جنایت مرگ بر این ولایت"، "قسم به خون یاران ایستاده ایم تا پایان". اکنون یک موضوع اعتراض و خشم مردم

قطعی گاز و بحران سوخت است که دامنه اش گسترده تر شده است. در قم اکثر جایگاه های سوخت تعطیل شده و برای دریافت گاز صف های مقابل جایگاه های فعال طولانی است و از شب مردم صف بسته اند. وضعیت تربیت جام همچنان اضطراری است و خیرها از درگذشت کودکان نوزاد و کهنسالان بخاطر سرمای شدید هوا گزارش میدهند. در کنار اعتراضات خیابانی و شعاردهی های شبانه اعتراضات در بخش های مختلف جامعه جریان دارد. امروز ۲۸ دی برای دومین روز کشاورزان اصفهان با تاکید بر تامین حقه از زاینده رود برای کشت پاییزه و احیای دائمی و جاری سازی این رودخانه مقابل استانداری تجمع کردند. همچنین در روز ۲۶

دی دویست نفر از معلمان سقز و زبویه در اعتراض به محروم شدن شماری از همکاران خود از رتبه بندی مشاغل در سالن آموزش و پرورش سقز دست به تجمع زدند. طرح رتبه بندی که چندرغازی به حقوقهای زیر خط فقر معلمان افزایش میدهد یکی از مطالبات اعتراضی معلمان بود و اکنون بصورت ناقص و نیم بند به اجرا گذاشته شده است. اما همین مزایای اندک بصورت گزینشی برای عده ای از معلمان منظور نشده است. در این تجمع معلمان معترض اعلام کردند که هیچ معلمی را نمیتوان از این حق محروم کرد. در این تجمع چند نفر از معلمان سخنرانی کردند و مشکل حذف رتبه بندی و برنامه های بعدی اعتراضی خود برای پیگیری موضوع را اعلام کردند.

در این تجمع بر ضرورت ایجاد صندوق حمایتی از معلمان که خدشه ای در حقوق و مزدشان وارد شده تاکید کردند و یکصدا اعلام کردند که اگر این مشکل تا سوم بهمن ماه حل نشود در اولین اقدام اعتراضی خود ساعات اضافه تدریس را پس خواهند داد و در مراحل بعد در اشکالی چون تجمع، تحصن و ... به اعتراض خود ادامه خواهند داد. راه مقابله با زورگویی های حکومت و حقوقهای زیر خط فقر و لایحه بودجه ای که تعرضی گسترده به زندگی و معیشت همه مردم است، ادامه انقلاب و اعتصابات سراسری است. نابود باد حکومت اسلامی! حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ دی ۱۴۰۱، ۱۸ ژانویه ۲۰۲۳

۲۷ دی: اعتصاب و تجمع کارگران فولاد سیرجان، امنیتی شدن بهشت زهرا در چهلمین روز قتل حکومتی محسن شکاری و اخباری دیگر

روز ۲۷ دی در چهلمین روز قتل حکومتی محسن شکاری فراخوان هایی به تجمع بر مزار او داده شده بود و خبرها از فضای سنگین امنیتی در بهشت زهرا گزارش میدهند و نیروهای سرکوب حضور سنگینی داشتند. شماری از مردم برای گرامیداشت یاد وی به بهشت زهرا رفته بودند، و بسیاری نیز با گذاشتن پست بر روی مدیای اجتماعی یاد محسن شکاری را گرامی داشتند و با هشتگ مرگ بر دیکتاتور خشم و نفرت خود را اعلام کردند. در متروی تهران جمعی از مردم با همخوانی ترانه "برای" صدای اعتراض خود را بلند کردند.

روز قتل حکومتی محسن شکاری فراخوان هایی به تجمع بر مزار او داده شده بود و خبرها از فضای سنگین امنیتی در بهشت زهرا گزارش میدهند و نیروهای سرکوب حضور سنگینی دارند. در یک ابتکاری جالب جمعی از مردم در متروی تهران با همخوانی ترانه "برای" صدای اعتراض خود را بلند کردند. خبر دیگر مربوط به گزارش مرکز پژوهش های مجلس اسلامی مبنی بر خارج ماندن یک میلیون و دویست هزار دانش آموز در سال جاری از چرخه تحصیل در پنج استان سیستان و بلوچستان، خراسان رضوی، تهران، خوزستان و آذربایجان

غربی است. جنایت در حق کودکان یک بخش از جنایات حکومت منفور اسلامی است. زندگی شاد و تحصیل رایگان برای همه کودکان یک خواست اعتراضی همه مردم است. یک گزارش تاسف انگیز اینستکه بیش از دو ماه است دانش آموز ۱۶ ساله هستی حسین پناهی به دلیل ضربات به سرش در کما بسر می برد و اکنون پزشکان از به هوش آمدن او قطع امید کرده اند. هستی روز ۱۹ آبان در اثر ضربه های باتوم به ناحیه ی سر در مدرسه آسیب دید و به بیمارستان کوثر در سمنج منتقل گردید. بنا بر خبرها در آن روز هستی تلاش کرد از دست نیروهای سرکوبگر که برای

گرفتن وی سرویس مدرسه را تعقیب می کردند فرار کنند و خود را از ماشین در حال حرکت به بیرون پرت کرد. ماجرای تراژیک هستی حسین پناهی نمونه دیگری از جنایات حکومت کودک کش جمهوری اسلامی است. این رژیم بخاطر تمامی جنایاتش و بخاطر سرکوبگریها و جنایاتش در قبال کودکان باید فوراً از کنوانسیون جهانی حقوق کودک اخراج شود و سران آن به جرم جنایت علیه بشریت به محاکمه کشیده شوند. جمهوری اسلامی را مردم سرنگون خواهند کرد. بنا به یک گزارش دیگر روز ۲۷ دی کارگران شرکت فولاد سیرجان در اعتراض

به عدم تحقق مطالباتشان دست به اعتصاب زدند و مقابل در اصلی شرکت تجمع و اعتراض کردند. فضای اعتراضی در میان کارگران فولاد و نفت و دیگر بخشها بالاست. همچنین روز گذشته کشاورزان اصفهان مقابل ساختمان استانداری تجمع کردند و بر تامین حقه از زاینده رود برای کشت پاییزه و احیای دائمی و جاری سازی این رودخانه پافشاری کردند. تجمع کنندگان شعار میدادند: "رئیس دروغگو، زاینده رودت کو؟". نابود باد حکومت اسلامی! حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ دی ۱۴۰۱، ۱۷ ژانویه ۲۰۲۳

گزارشی از قطعی گاز و بحران سوخت و اعتراضات مردمی فقر، فساد، گرونی، میریم تا سرنگونی



در حالیکه یک جبهه هوای سرد سبیری به سوی ایران حرکت کرده و بنا بر گزارشات در برخی شب ها دمای هنوز تا منفی هجده درجه سانتیگراد کاهش یافته است، قطعی گاز و کمبود سوخت زندگی مردم را در این شرایط بسیار مشقت بار نموده است. بخصوص در استانهای خراسان که سرمای آن تا نزدیک ۲۰ درجه منفی سقوط کرده، این وضعیت بسیار غیرقابل تحمل است. علاوه بر استانهای خراسان و بلوچستان نیز مردم با بحران گاز روبرویند. در اعتراض به این موضوع در تربت جام در خراسان رضوی مردم خشمگین به خیابان آمدند و آتش برپا کردند و شعار مرگ بر خامنه ای سر دادند. از جمله روز ۲۶ دی در این شهر مردم خشمگین از قطعی برق و رها شدن در سرمای سخت زمستانی با راهپیمایی و فریاد شعارهای "مرگ بر خامنه‌ای"، "همشهری داد بزن حقتو فریاد بزن" به طرف فرمانداری حرکت کردند و بعد برای گرفتن

توستر و وسایل برقی آشپزخانه هر چند اندک کمک بگیرند. این وضعیت بر وضعیت برق رسانی هم اخلاص ایجاد کرده است. و قطعی گاز با قطعی مکرر برق همراه شده است. در تربت جام حتی تهیه آب هم دچار مشکل شده است. در این شهر نانوبایی‌هایی هم با مشکل سوخت روبرو شده اند. و بصورت سیار و با خودروهای شخصی به این شهر نان آورده میشود. آنهم با نرخ کلان که تهیه آن برای خانواده های کم در آمد سخت شده است.

در دانشگاه فردوسی از ساعات نیمه شب جمعه ۲۳ دی ماه گاز خوابگاهها قطع شده و در نتیجه قطعی گاز کافه تریاها و اغذیه‌های دانشگاه نیز تعطیل شدند و دانشجویان با مشکل تهیه غذا نیز روبرو هستند. روز ۲۴ دی ماه تمام مدارس و دانشگاه‌ها و خوابگاههای دانشجویان در مشهد تعطیل اعلام شد. و با توجه به یخ زدگی بسیاری از جاده‌ها و مسیرهای ریلی دانشجویان برای بازگشت به شهرهای خود نیز با مشکل جدی روبرو هستند. در شهرهای دیگر نیز چون سبزوار و گناباد دانشجویان خوابگاهها را تخلیه کرده اند.

همانطور که قبلا گزارش کردیم بخاطر سرما و بحران سوخت در استانهای زیادی مدارس تعطیل و غیرحضوری اعلام شده است از جمله در این شهرها و استانها مدارس تعطیل اعلام شده: استان تهران، البرز، قزوین، خراسان رضوی، خراسان شمالی، خراسان

جنوبی، همدان، گیلان، آذربایجان شرقی، زنجان، گلستان، سیستان و بلوچستان (شهرهای زاهدان، میرجاوه، نصرت آباد، زابل، زهک، هامون، هیرمند، نیمروز)، کرمانشاه، جوانرود، پاوه، روانسر، اسلام‌آباد غرب، دالاهو، کنگاور، صحنه، هرسین و سنقر و کلیایی.

بنا بر گزارشات در برخی از این مناطق مردم ساعت ها در هوای سرد منتظر تهیه یک سیلندر گاز جهت پخت و پز در منازلشان هستند. در این میان بازار دزدی و احتکار فعالیت شده و بنا بر برخی خبرها محتکرین شبانه گاز را به افراد پرنفوذ در منطقه بفروش می‌رسانند. گفتنی است که در خراسان مردم در تمام فصول با مشکل کمبود گاز و نفت و بنزین روبرو هستند.

در کنار صف های طولانی گاز خبرها از صف های طویل خودروها برای گرفتن بنزین در بسیاری از مناطق از جمله در استان مازندران و شهرهای اراک و تهران گزارش میدهند. در تهران صف های طولانی در پمپ بنزین ها تشکیل شده است و به بهانه خرابی نازل ها، در هر جایگاه کمتر از نیمی از نازل ها فعال هستند. در بابل معدود جایگاههایی قادر به ارائه بنزین به خودروها هستند و صف های کیلومتری شکل گرفته است. گفته میشود بخاطر قطع گاز بازار خرید و فروش وسایل گرمایشی قدیمی داغ شده است و نرخ چراغ نفتی به ۶ میلیون تومان رسیده است.

در قوچان نیز مدارس و مغازه ها و همه محیط

های کاری تعطیل است. وزیر نفت جمهوری اسلامی اعلام کرد که قطعی گاز سواپ ترکمنستان موجب افت فشار گاز در جنوب خراسان رضوی شده است و وعده رفع مشکل قطعی گاز را برای سال آینده داد. این گفته ها مردم را بشدت به خشم آورده و یک شعار مردم معترض در تربت جام شعار مسئول بی لیاقت استعفاء، استعفاء بود. مردم میگویند بحران سوخت در حالیکه ایران یکی از سه کشور بزرگ دارنده نفت جهان است، به هیچ وجه قابل قبول نیست. بحران سوخت، در کنار سونامی فقر و بی تامین بر خشم و نفرت مردم بیشتر دامن زده و مردم با شعار فقر، فساد، گرونی، میریم تا سرنگونی جواب جهانی که جمهوری اسلامی ایجاد کرده را هر روزه در کف خیابان میدهند.

مردم شاهد هستند که منابع و ثروتها در کشور در خدمت گسترش نیروی سرکوب و لفت و لیس مفتخوران حاکم است و با این حکومت زندگی مردم هر روز بدتر خواهد شد. گسترش اعتراضات و خیزش و انقلاب راه مقابله با مشقات تحت حکومت اسلامی است. باید حکومت را زیر فشار گذاشت که بدون عذر و بهانه گاز و نفت و نیازهای اولیه زندگی مردم را تامین نماید. زنده باد انقلاب زن، زندگی، آزادی نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ دی ۱۴۰۱، ۱۷ ژانویه ۲۰۲۳

نابود باد حکومت اسلامی!

۲۷ دی: اعتصاب و تجمع سراسری کارگران رسمی نفت



روز ۲۷ دی کارگران رسمی نفت در پالایشگاهها و مناطق مختلف بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده دست به اعتصاب و تجمع زدند. بنا بر گزارشات تا کنون مراکزی که در آنها این اعتراضات برپا شده است عبارتند از: از جمله در بهره برداری نفت و گاز غرب در چشمه خوش دهلران، پالایشگاه ایلام، شرکت بهره برداری نفت و گاز کارون و شرکت بهره برداری نفت و گاز مارون

در اهواز، شرکت بهره برداری نفت و گاز پارس، شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاچاری، شرکت فلات قاره، پالایشگاه پنجم پارس جنوبی، پالایشگاه گاز فجر جم، پالایشگاه آبادان، پتروشیمی ماهشهر و منطقه سیری کارگران نفت خواستهایی در حوزه پرداختها و شرایط کار و مدیریت شرکتها دارند که بارها اعلام کرده اند اما پاسخی نگرفته است. بنا به

گزارش سازماندهی کارگران پیمانی نفت یک موضوع مهم اعتراض این کارگران به عدم اجرای ماده ۱۰ است که بیش از ده سال است متوقف شده و با اجرای آن حداقل دو میلیون به حقوق هر کارگر اضافه میشود. کارگران رسمی نفت خواستار اجرای فوری این ماده و همچنین پرداخت بی یک دهساله آن هستند. دیگر خواستههای فوری اعلام شده این کارگران عبارتند از: بهبود جدول بدو استخدام ماده ده به نحوی که شامل همه کارکنان باشد، اصلاح و بهبود وضعیت بهداشت و درمان نفت، پرداخت بی کم و کاست پاداش پایان بازنشستگی همچون گذشته در وزارت

نفت، رسیدگی لازم به وضع بازنشستگان صنعت نفت و بهبود زندگی آنها، تعدیل پهنگام مدرک کارکنان و آسان نمودن چگونگی تعدیل، ساماندهی سمت های کارکنان و رسیدگی به وضعیت نابسامان و نگران کننده صندوق بازنشستگی نفت و اصلاح اساسنامه آن. کارگران رسمی نفت در رابطه با این مطالبات قبلا نیز در دهم دیماه و بیست و ششم آذرماه اعتصاب و تجمعات سراسری گسترده ای داشتند. این کارگران اعلام کرده اند که گر پاسخ نگیرند به اعتراضات خود ادامه خواهند دادند. فضای اعتراضی در میان بخش های مختلف کارگران نفت چه رسمی و چه غیر رسمی گسترده

است و اعتراضات گسترده و متوالی کارگران رسمی نفت بستر ساز اعتراضات سراسری در این مرکز مهمی صنعتی است. حزب کمونیست کارگری بر اعتصابات سراسری نفت و تمامی بخش های کارگری به عنوان یک حلقه مهم در بهبود شرایط زندگی کارگران و تداوم انقلاب و تقویت آن تاکید دارد. ایجاد شورای سازماندهی اعتراضات در تمامی بخش های نفت و صندوق های اعتصاب ابزار مهمی برای تدارک اعتصابات سراسری است. نابود باد حکومت اسلامی! حزب کمونیست کارگری ایران ۲۷ دی ۱۴۰۱، ۱۷ ژانویه ۲۰۲۳

گزارش تکمیلی از اعتصاب و تجمع سراسری کارگران رسمی نفت "دیگران را به قیمت جان نمیخریم"

همانطور که قبلا گزارش کردیم روز سه شنبه ۲۷ دی کارگران رسمی نفت در سطح سراسری دست به اعتصاب و تجمع زدند. مراکزی که این تجمعات برگزار شد عبارتند از: پالایشگاه ایلام؛ بهره برداری نفت و گاز غرب در چشمه خوش دهلران، شرکت بهره برداری نفت و گاز کارون و شرکت بهره برداری نفت و گاز مارون در اهواز، شرکت بهره برداری نفت و گاز پارس، شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاچاری، شرکت فلات قاره، پالایشگاه پنجم پارس جنوبی؛ پالایشگاه گاز فجر جم، پالایشگاه آبادان، پتروشیمی ماهشهر و منطقه سیری. در عسلویه کارگران در اعتراض به عدم پاسخگویی به خواستههایشان راهپیمایی کردند. در اهواز کارگران

مقابل دفتر شرکت تجمع کرده و شعار میدادند: "وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه"، "وزیر بی لیاقت نمی‌خوایم نمی‌خوایم". تجمعات اعتراضی کارگران رسمی نفت برابر فراخوان منتشر شده قرار است در شهرهای تهران، اهواز، گچساران، عسلویه، شیراز، اصفهان، خانگیران، لامرد، دالان و فرابیند، ایلام، آبادان، لاوان، خارگ؛ اراک، بندرعباس و همینطور دکل های حفاری و سکوهای نفت و گاز برگزار شود. کارگران رسمی نفت در بیانیه پایانی گردهمایی سراسری خود تحت عنوان "دیگران را به قیمت جان نمیخریم" بر خواستههای فوری خود تاکید کردند. کارگران در بیانیه خود مینویسند: "گفته بودیم، بردباری ما مرز

دارد، گفته بودیم پنبه ها را از گوشه‌های پیرون کنید، ما گفتیم و شما نشنیده گرفتید، اکنون سیلی شد ه ایم که میتوانیم همه چیز را با خود ببریم، نابود کننده و ویرانگر. بنابراین نیست که ما، مانند شعله بسوزیم و تنها بسوزیم، شعله ای خواهیم شد که برای خاموش کردنمان باید سیل اشکهایمان جاری شود، گفته بودیم که با روان ما بازی نکنید. از تصویب قانون ماده ده ، نوزدهم اردیبهشت نود و یک، ده سال و ۲۵۰ روز گذشت، شنبه سیاه شهریور ۴۰۱ را تجربه کردیم، ۲۶ آذر را پشت سر گذاشتیم و اکنون زمان آن رسیده است که ریشه دروغگویی هایتان را بر آب بی ابروی تان شناور سازیم، ۲۷ دی ماه روز پایان است، این بارش آغاز

سیل بنیان کن دلاور مردان صنعت نفت است، تا کنون با جان دل هرآنچه را داشتیم، بی رنگ و ریا برای تولیدی گذاشتیم که سودش در جیب شما ، سفره های خالی، آلودگی، بیماری و روانهای اشفته اش برای ما و خانواده های ما بود، بازی به نوبت. دیگر به هیچکس پاسخگو نخواهیم بود. به خواسته های ما احترام بگذارید". خشم کارگران در سرتاسر این بیانیه آشکار است. خواستههای پاسخ نگرفته کارگران بسیار است. شده این کارگران عبارتند از: انجام بی چون و چرای، ماده ۱۰ قانون اختیارات و وظایف وزارت نفت و پرداخت بی یک دهساله آن، رسیدگی لازم به وضع بازنشستگان صنعت نفت و بهبود زندگی آنها، بهبود

جدول بدو استخدام ماده ده به نحوی که شامل همه کارکنان باشد، اصلاح و بهبود وضعیت بهداشت و درمان نفت، پرداخت بی کم و کاست پاداش پایان بازنشستگی همچون گذشته در وزارت نفت، تعدیل پهنگام مدرک کارکنان و آسان نمودن چگونگی تعدیل، ساماندهی سمت های کارکنان و رسیدگی به وضعیت نابسامان و نگران کننده صندوق بازنشستگی نفت و اصلاح اساسنامه آن. کارگران رسمی نفت اعلام کرده اند که تا وقتی پاسخ نگیرند به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد. نابود باد حکومت اسلامی! حزب کمونیست کارگری ایران ۲۷ دی ۱۴۰۱، ۱۷ ژانویه ۲۰۲۳

بحران سوخت، تجمع خانواده های محکوم به اعدام، یادمان هومن عبداللهی در سنندج و اخباری دیگر



دوشنبه ۲۶ دیماه بار دیگر خانواده های محکومین به اعدام در مقابل ساختمان قوه قضائیه جمهوری اسلامی در تهران تجمع کردند و با شعارهای "نه به اعدام"، "مستولین جواب بدهند" خواستار لغو احکام اعدام و نجات عزیزانشان از مرگ شدند. تجمع قبلی این خانواده ها در ۲۴ دی برگزار شد.

امروز همچنین مراسم یادمان هومن عبداللهی با حضور وسیع مردم برگزار شد. تجمع کنندگان شعار میدادند: "ژن ژیان آزادی"، "کرد، بلوچ و آذری آزادی و برابری"، "نه سلطنت نه رهبری دمکراسی برابری". مراسم های یادمان محل ابراز خشم و اعتراض مردم علیه جمهوری اسلامی است. همانطور که گزارش

کردیم امروز مردم در تربت جام بخاطر قطعی گاز آنهم در سرمای سخت زمستان دست به تجمع زدند. گزارشها از تعرض نیروی انتظامی و درگیر شدن مردم با آنها خبر میدهند. شهرهای بسیاری هم اکنون با معضل گاز روبرویند. در حالیکه مردم برای مقابله با سرما به خرید نفت رو آورده اند، صرف نظر از صف های طولانی نفت، خبرها از توقف توزیع آن در گناباد گزارش میدهند. بعلاوه اخبار دیگری از نابسامانی وضع سوخت و بنزین از شهرهای دیگر میرسد. از جمله امروز رئیس مرکز فوریت های پزشکی استان اردبیل خبر داد که در پی مسمومیت با گاز مونواکسید کربن در مدرسه فرزانهگان اردبیل، ۵۸ دانش آموز به

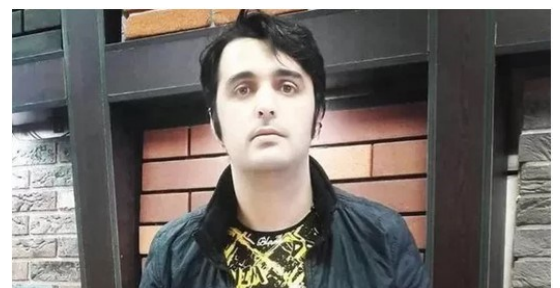
بیمارستان منتقل شدند. در بابل صف طولی برای دریافت بنزین شکل گرفته است. طبق گزارشات از دو روز پیش بسیاری از جایگاههای عرضه سوخت به خاطر نداشتن بنزین تعطیل بودند و معدود جایگاههایی قادر به ارائه بنزین به خودروها هستند و در آنها مردم با صف های کیلومتری مواجهند. در نیشکر هفت تپه نیز فتحی مکوندی مدیری این شرکت، برق ۲۰ دستگاه از منازل مسکونی کارگران را قطع کرده است. بنا بر خبر ساکنین این منازل اکثرا بازنشسته های نیشکر هفت تپه هستند. حکومت تلاش درد با این حربه این کارگران را از منازل مسکونی شان بیرون کند. اکثر این کارگران بدون مسکن

و در وضعیت معیشتی بسیار بدی بسر میبرند. در اعتراض به دستور وحکم دادستان و اقدام به قطع برق منازل مسکونی، این کارگران در روز ۲۵ دی مقابل فرمانداری و سپس استانداری شوش تجمع و اعتراض کردند. داشتن مسکن مناسب حق همه کارگران است و پنج هزار کارگر نیشکر هفت تپه باید در حمایت از همکاران بازنشسته خود به تعرض جنایتکاران چپاولگر حکومتی وسیعا اعتراض کنند.

نابود باد حکومت اسلامی!
حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶
دی ۱۴۰۱، ۱۶ ژانویه
۲۰۲۳

تجمع و اعتراض به حکم اعدام جواد روحی در نوشهر، شعار دهی شبانه در تهران



امروز جمعیت زیادی از مردم در شهر نوشهر در اعتراض به حکم اعدام جواد روحی تجمع کردند. در این تجمع دختر و پسر با فریاد اینکه "فقط امروز جمعیت زیادی از مردم در شهر نوشهر در اعتراض به حکم اعدام جواد روحی در وسط خیابان رقصیدند و حکومت اسلامی را به سخره گرفتند و اعتراض

خود را به حکم اعدام برای او اعلام کردند. جواد روحی جوان ۳۶ ساله روز ۳۱ شهریور در نوشهر دستگیر شد. او را در دادگاه انقلاب ساری با اتهامات "ارتداد از طریق آتش زدن قرآن"، "افساد فی الارض" و "محاربه" به سه بار اعدام محکوم کرده اند. پیش از این مرکز رسانه ای قوه قضائیه او را به "لیدری اغتشاشات نوشهر و آتش زدن مقر راهنمایی و رانندگی و تحریک و تشویق به

آشوب" متهم کرده بود. پدر و مادر وی با انتشار ویدیویی از عدم دسترسی پسرشان به وکیل تعیینی در دادگاه بدوی و بی خبری از او در سه ماه نخست بازداشت خبر داده بودند. در جریان انقلاب چند ده هزار از مردم معترض دستگیر و زندانی شده اند. تجمع امشب مردم در نوشهر در همبستگی با جواد روحی یک شکل مهم اعتراض است که میتواند در تمام شهرها آثرا تکثیر کرد. دستگیر شدگان

انقلاب باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. شعاردهی های شبانه امشب نیز در محلات تهران از جمله در نیاوران جریان داشت. مردم در این اعتراضات شعار میدادند: "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر خامنه ای، لعنت بر خمینی".

نابود باد حکومت اسلامی!
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ دی ۱۴۰۱، ۱۶ ژانویه
۲۰۲۳

انقلاب در کل متشکل تر شده و همچنین از نظر مضمون و از نظر خواستها و از نظر سازمانیافتگی چپ تر شده است. الان شما می بینید که هر حرکتی با فراخوانهای از پیشی سازمان داده میشود. مثل همین سه روزی که الان در جریان است. ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ آرمه - و یا ۱۴ تا ۱۶ آرمه که اینها همه فراخوانهای سه روزه بود و یا فراخوانی که داده شده برای سوم تا پنجم دیماه، سه روزی که کارگران پالایشگاهها فراخوان به اعتصاب داده اند. به این معنا من میخوام بگویم که انقلاب سازمانیافته و نقشه مند تر شده است. مضمون این فراخوانها بسیار چپ، روشن، صریح و شفاف علیه کل نظام است و علیه تمام سیاستهای ضدانسانی که این حکومت نمایندگی میکند. در مجموع در یک ارزیابی کلی می بینید که انقلاب در واقع سازمانیافته تر، متشکلتر و چپ تر شده و دارد به پیش میرود. حمید تقوایی راه طی شده و راه پیش رو

اعتصاب و تجمع کارگران عملیاتی ماهشهر و پتروشیمی گچساران

این مرکز کلیدی کارگری است. حزب بر اعتصابات سراسری به عنوان یک حلقه مهم در مقابله با حکومت و تحقق خواسته‌های کارگران تاکید دارد. حزب بر ایجاد شورای سازماندهی اعتراضات در تمامی بخش های نفت و در همه مراکز کارگری و ایجاد صندوق های اعتصاب برای تدارک حمایت های اجتماعی در مقطع اعتصابات گسترده و سراسری تاکید میکند. زنده باد انقلاب زن، زندگی، آزادی!

نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ دی ۱۴۰۱، ۱۵ ژانویه ۲۰۲۳

است. اعتراضات در بخش های مختلف کارگری در نفت گسترده است. خبرهایی نیز از تدارک اعتصاب سراسری برای بیست و هفتم دیماه توسط کارگران رسمی نفت شنیده میشود. اجرای ماده ده و پرداخت پی بک ده ساله آن، لغو مالیات های گزاف بر حقوقها، بالا بردن استاندارد ایمنی کار و وضع درمان و بهداشت در حد قابل قبول از جمله مطالبات اعلام شده این کارگران در مبارزاتشان بوده است. این کارگران در ۲۶ آذر تجمعات گسترده وسیعی را در سطح سراسری برپا کردند و آخرین حرکت اعتراضی آنها در دهم دیماه بود. اعتراضات در بخش های مختلف نفت بستر ساز اعتصابات سراسری در

خواستار تعیین تکلیف وضعیت خود شدند. بنا بر خبر سهامداران پتروشیمی گچساران با تصمیم برای جایگزینی شرکت تهران جنوب به جای ODCC دستور تسویه حساب با بیش از ۲۰۰ کارگر این مجموعه را داده اند. این تصمیم مرتبط با حادثه دلخراش انفجار آمبولانس پتروشیمی است که در تاریخ هفدهم آذر ماه رخ داد و منجر به مرگ یکی از کارگران به اسم مهدی حبیبی شد که به صورت پاره وقت در پتروشیمی مشغول بکار بود. اکنون شرکت ODCC بدون انجام مراحل اداری و پاسخگویی درباره این حادثه و بدون پذیرش مسئولیت خود در حال فرار و ترک مجموعه



اعتصاب دست زدند. یک خواست فوری این کارگران اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل است. بنا بر خبر دیگری از همین شورا روز ۲۴ دی کارگران شاغل در شرکت O D C C پتروشیمی گچساران در محل کارگاه تجمع کرده و

بنا بر گزارش شورای سازماندهی اعتراضات نفت کارگران پیمانی نفت روز ۲۵ دی کارگران پیمانی شاغل در عملیات غیر صنعتی ماهشهر در اعتراض به سطح نازل حقوقها و ساعت کار طولانی به تجمع و

تجمع مردم تربت جام مقابل فرمانداری، یادمان محسن شکاری و هومن عبداللهی و اخبار دیگری از اعتراضات مردمی

ای لعنت بر خمینی"، "حکومت بچه کش نمیخوایم، نمیخوایم"، "مرگ بر سپاهی"، "مرگ بر بسیجی"، "مرگ بر خامنه‌ای"، "مرگ بر دیکتاتور"، "جمهوری اعدای نمیخوایم، نمیخوایم"، "خامنه‌ای حیا کن/مملکتورها کن" روز گذشته همچنین مردم در محله ای از تهران در ابتکاری جالب مردم دست به دست هم داده و با هم سرود برای "آزادی" را خواندند. شعار نویسی گسترده است و دیوارهای تمام شهرها را به رنگ اعتراض مردمی در آورده است. زنده باد انقلاب زن، زندگی، آزادی!

نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ دی ۱۴۰۱، ۱۶ ژانویه ۲۰۲۳

برای تجمع ظهر در بهشت زهرا و برای ساعت ۶ عصر به حرکت اعتراضی در محله نارمک میدان هفت حوض داده شده است. حکومت اسلامی از وحشت جمع شدن مردم به مزار محسن شکاری پورش برده و سنگ های آنرا شکسته است. همچنین در ساعت دو عصر امروز در چهلمین روز قتل هومن عبداللهی مراسمی در قبرستان حسن آباد سنندج برگزار خواهد شد. هومن عبداللهی در ۱۶ آذر ماه به ضرب گلوله مزدوران جمهوری اسلامی، جان خود را از دست داد. در دو شب اخیر مثل شبهای قبل در محلاتی از تهران از جمله در آپادانا، اباذر، لویزان، بلوار فردوس، شریعتی، جردن، تهران پارس، سعادت آباد و اکباتان شعاردهی طنزین انداخته بود. مردم شعار میدادند: "مرگ بر خامنه

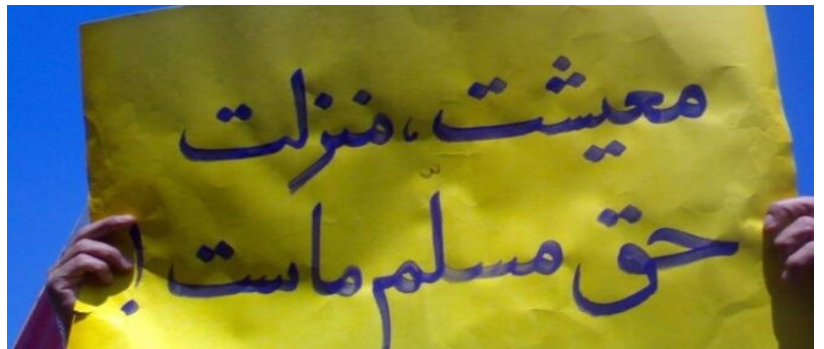
تعطیل در آمده است. مردم بحق دولت را در قبال معیشت و زندگی خود مسئول میدانند. بنا به یک گزارش دیگر امروز تجمع اعتراضی بازنشستگان شهرستان شوش برای دومین بار در این هفته در مقابل فرمانداری این شهر بدلیل وضعیت بد معیشتی و بی پاسخ ماندن خواهشهایشان صورت گرفت. این بازنشستگان در سال گذشته نیز اعتراضات همسان سازی حقوقها و افزایش آن به بالای خط فقر و درمان و تحصیل رایگان برای همه و داشتن مسکن مناسب و نیز پایان دادن به اختلاس ها و امنیتی کردن مبارزات از جمله خواستههای اعلام شده این کارگران در اعتراضاتشان بوده است. امروز در چهلمین روز اعدام و قتل حکومتی محسن شکاری فراخوانهایی



در صف طولیل تهیه نفت سفید هستند. هواشناسی در مورد موج بعدی سرمای کم سابقه از روز سه شنبه ۲۷ دی هشدار داده است و بنا بر گزارشات برودت هوا در مشهد ۱۴ درجه زیر صفر است. بخاطر قطعی گاز مدارس در بسیاری از استانها تعطیل اعلام شده است. در جاهایی دانشجویان خوابگاهها را تخلیه کرده و به شهر و مناطق خود بازگشته اند. بسیاری از مغازه ها و مراکز کاری بحال

در هفته ها و روزهای اخیر مناطق زیادی از ایران با بحران گاز و قطعی آن در سرمای شدید زمستان مواجه شده و مردم خشمگین و معترض هستند. بویژه در سه استان خراسان وضع بسیار وخیم گزارش میشود. امروز ۲۶ دی در تربت جام در پنجمین روز قطعی گاز مردم مقابل فرمانداری تجمع کردند و صدای اعتراضشان را بلند کردند. در این شهر مردم برای تهیه سوخت ناگزیر به ایستادن

۲۵ دی: از بیانیه شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت حمایت میکنیم



شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت طی بیانیه ای به تاریخ ۲۱ دی تحت عنوان "بیانیه در ارتباط با اوضاع اخیر جامعه" بر خواستههای فوری به عنوانی مبنایی برای اتحاد همه بخش های کارگری و کل جامعه برای رهایی از شرایط برده وار حاکم تاکید میکند. در مقدمه این بیانیه بر شعله ورت شدن خشم مردم از فقر و بی تاملی بدنبال قتل مهسا امینی و گذشت بیش از صد روز از این اعتراضات اشاره شده و در ادامه آن چنین آمده است: "زندانیان پر شده از وجود جوانان و نوجوانانی که جگر گوشه های ما مردم هستند. در همین مدت حدود ۶۰۰ نفر با شلیک گلوله و یا در زندان در اثر شکنجه جان خود را از دست داده اند. بسیاری از اینها جوانان، نوجوانان و حتی کودک ده ساله ای مثل کیان پور فلک هستند. نیروهای سرکوب در خیابان ها بخش و پراکنده هستند و گشت میزنند. بعلاوه اینکه در این مدت دهها هزار نفر بازداشت شده اند و حکومت با دستگیر شدگان همچون اسرای جنگی برخورد کرده و باشکجه،

تجاوز و مرگ خاموش زندانیان سرکوب را به حد اعلاای خود رسانده و هر روز احکام اعدام بیشتری را رو میکند. از جمله در هفدهم آذر ماه تا کانون چهار جوان انقلابی، ۴ کارگر معترض به اسمی محسن شکاری، مجید رضا رهنورد، محمد مهدی کریمی و محمد حسینی اعدام شدند و ما تاکید کردیم که پاسخ این اعدام ها و سرکوبها گسترش اعتراضات و اعتصابات سراسری است. این در حالیست در کنار این سرکوبها معیشت ما کارگران و مردم هر روز بیشتر مورد چپاول و غارت قرار میگیرد و خط فقر به سی میلیون رسیده و ابعاد فقر و گرسنگی و نداشتن مسکن و آوارگی فاجعه بار است. ما کارگران از فقر و زندگی زیر خط فقر و بی تاملی، از افزایش چندرغاز دستمزدها و زندگی زیر خط فقر، از دویدن هر روزه دنبال دستمزدهای پرداخت نشده و جاده بستن ها، از زورگویی های پیمانکاران مفتخور و آخرش هم بیرون کشیدن پیکر همکارمان از کوره های ذوب آتش به عصبان آمده ایم و این وضع دیگر برای هیچ کس قابل دوام

ما مدافعین حقوق زن و حقوق کودک و ال جی بی ها، مدافعین محیط زیست و ما همه طیف های به جان آمده و معترض صف واحدی را شکل بدهیم و با متحد شدن حول یکسری خواستههای فوری سنگر محکمی بسازیم برای گام های بعدی و پیروزی نهایی."

بیانیه در خاتمه با اعلام خواستههایی همه کارگران و همه مردم را به متحد شدن حول آنها فرا میخواند. رئیس مهم این خواستهها عبارتند از: "آزادی فوری و بدون قید و شرط همه بازداشت شدگان، همه انسانهایی که بخاطر عقیده و اعتراض در زندانند و پایان دادن به پرونده سازندهای امنیتی علیه مخالفین و معترضین تحت عناوین محاربه، اخلال در نظم و امنیت جامعه و این دست اتهامها، پایان دادن به احکام ارتجاعی "اعدام"، بدون هیچ چون و چرایی و لغو فوری تمامی احکام اعدام و مجازات اعدام، پایان دادن به هرگونه ستم و تحقیر و تبعیض علیه زنان و به آپارتاید جنسیتی در جامعه، جدایی مذهب از دولت و اداره جامعه و تاکید بر اینکه مذهب رسمی وجهی از اعمال دیکتاتوری بر جامعه است و انسانها میتوانند مذهب و از هر نوع آنرا داشته باشند یا اصلا مذهب نداشته باشند و به رسمیت شناختن این اصل به عنوان یک شرط مهم آزادی عقیده و بیان در جامعه، آزادی بدون قید و شرط اعتراض، تجمع،

اعتصاب، تظاهرات و آزادی بدون قید و شرط بیان و اندیشه به عنوان حقوق پایه ای مردم و به رسمیت شناختن آن، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و به پدیده جرم سیاسی و زندان و زندانی سیاسی، برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان کشور مستقل از عقیده و مذهب، قومیت، جنسیت، گرایش جنسی، و از بین رفتن هرگونه تبعیض و نابرابری مدنی و اقتصادی و طبقاتی. در بند آخر این بیانیه بر اداره شورایی و جمعی جامعه تاکید شده و چنین آمده است: "ما هیچگونه اعمال قدرتی از بالای سر خود را چه در کار و چه در زندگی بر نمی تابیم. خواست ما اداره شورایی و جمعی جامعه است. اعلام این خواستههای حداقلی اولین قدم برای اعمال اراده جمعی ما مردم برای اتحاد و رقم زدن به سرنوشت و آینده مان است. " شورای سازماندهی همگان را به پیوستن به این خواستهها فراخوانده است. اعلام چنین بیانیه ای به عنوان مبنایی پایه اتحاد سراسری مردم برای رهایی یک پیشروی مهم در جنبش کارگری و در مبارزات مردمی است و حزب کمونیست کارگری قاطعانه از آن حمایت میکند. زنده باد انقلاب زن، زندگی، آزادی! نابود باد حکومت اسلامی! ایران ۲۵ دی ۱۴۰۱، ۱۵ ژانویه ۲۰۲۳

این انقلاب پر دوش جوانان بسیاری نظیر مجید رضا و محسن و نیکا و سارینا و نوید به پیش میرود که از مذهب و آخوند و آدمکشی حکومت و قوانین اسلامی متنفرند و میخواهند خود و جامعه را از این بختگ توحش اسلامی خلاص کنند. این جوانان نه فقط علیه مذهب بلکه علیه همه آن سنتها و قوانین و سیاستهایی هستند که جمهوری اسلامی آنها را نمایندگی میکند: علیه اعدام و بی ارزش شدن زندگی انسانها، علیه چپاول و به فقر و بردگی کشاندن اکثریت مردم، علیه تبعیض و تحقیر زنان، بی حقوقی کودکان، چپاول و مافیای نجومی، نابودی محیط زیست، و علیه کل سیستم آدمکشی و تجر و سفاهت و ارتجاع مذهبی و قرون وسطایی هستند. کاظم نیکخواه دوست ندارم قرآن بخوانند

۲۵ دی: بیاتیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در مورد حضور نیروهای سرکوب در مدارس



مصرانه خواهان پایان دادن به حضور و ورود نیروهای انتظامی، امنیتی و لباس شخصی به محیطهای آموزشی، تحت هر عنوان بوده و هست".

حزب کمونیست کارگری همصدا با شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ورود و حضور نیروهای سرکوب به مدارس و امنیتی کردن محیطهای آموزشی را شدیداً محکوم کرده و حمله به مدارس و شلیک به دانش آموزان و دستگیری آنها را از مصادیق بارز جنایات علیه بشریت میدانند. حزب بر آزادی فوری دانش آموزان زندانی و معلمان در بند و بازگشت به مدرسه همه دانش آموزانی که اخراج یا دستگیر شده اند تأکید دارد. عضویت جمهوری اسلامی با چنین پرونده ای از جنایت در قبال کودکان در کنوانسیون حقوق کودک لکه ننگی برای همه کشورهاست و باید این حکومت کودک کش فوراً از این کنوانسیون اخراج شود. جمهوری اسلامی باید در سطح جهان بایکوت شود.

نابود باد حکومت اسلامی!
حزب کمونیست کارگری ایران

دی ۱۵، ۱۴۰۱، ۲۵
۲۰۲۳

هر عنوان اقدامی غیرقانونی است و تجاوز به حریم مراکز آموزشی محسوب می شود. این موضوع با آزار و آسیب جسمی و روحی و روانی دانش آموزان همراه است و تحت هر شرایطی محکوم است و باید متوقف شود.

گزارشهای همکاران ما از برخی استانها، حاکی از برخوردهای غیر قانونی بعضی مسئولان نالایق مدارس و مناطق با دانش آموزانی است که حضوری ولو محدود در اعتراضات اخیر داشته اند. از جمله این اقدامات، اخراج دانش آموزان از مدرسه، برخلاف همه آیین نامه های موجود در آموزش و پرورش است، ارباب و تهدید خانواده دانش آموزان برای جلوگیری از رسانه ای نمودن این برخوردهای غیرقانونی، نیز شکل دیگری از این رفتارهای غیر منطقی است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، خواهان بازگشت هرچه سریع تر این گروه از دانش آموزان به محیطهای آموزشی و جبران خسارت های مادی و معنوی وارد شده به آنان است و البته رسیدگی به تخلفات مدیران و مسئولانی که برخلاف قوانین موجود، اقدام به اخراج دانش آموزان نموده اند، این شورا

واکنش منفی آنان مواجه شد، به شکلی که توجه گران خشونت و ارباب، موفقیتی در تحمیل نوجوانان به تنگ آمده از تنگ نظری ذهن های منجمد برخی قدرت طلبان، به دست نیاروندند و اتفاقاً شکاف ذهنی دانش آموز عصر دیجیتال، با ذهنیت متصلب عصر حجری ناقضان آزادی، بیشتر شد. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، به عنوان یک نهاد صنفی معلمی که در ارتباط مداوم با گروه های مختلف دانش آموزی قرار داشته و بیش از هر نهاد دیگری با ذهن و زبان آنها آشنایی دارد؛ اعلام می دارد که نظام آموزشی ایدئولوژی زده و سیستم اداره پادگانی مدارس به هیچ وجه پاسخگوی نیازهای آنان نیست. ورود و حضور نیروهای امنیتی و نظامی به مدارس تحت

است، به این معنا که نهادهای امنیتی و انتظامی و قضایی که قانوناً متعهد به رعایت اصول این کنوانسیونها هستند اجازه ی ورود به اماکن آموزشی را ندارند. زیرپا گذاشتن ابتدایی ترین حقوق دانش آموزان، با انفعال کامل وزارتخانه و با تأیید ضمنی وزیر پی کفایت آموزش و پرورش همراه شد، تا جایی که این همکاریها، برخی مدارس کشور را به پایگاهی برای نیروهای انتظامی و امنیتی تبدیل کرد، متأسفانه موضوع به این جا ختم نشد، ورود این نیروها منجر به معرفی برخی دانش آموزان به این نهادها، و اخراج برخی از فرزندان ایران زمین گردید. در همین شرایط، حضور مداوم لباس شخصی ها، از نهادهای مختلف و به ظاهر فرهنگی در مدارس به عنوان مبلغ به قصد توجیه اقدامات حکومتی برای دانش آموزان با

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در بیانیه ای به تاریخ ۲۵ دی به حضور لباس شخصی ها و نیروهای نظامی در مدارس اعتراض کرده و خواهان خروج این نیروها از مدارس و غیر ایدئولوژیک بودن آموزش و پرورش تأکید کرده و خواستار بازگشت به تحصیل دانش آموزان اخراجی شد. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "ورود غیرقانونی نظامیان به مدارس و دانشگاهها به رغم مخالفت و مقاومت برخی مدیران متعهد و مسئول با همراهی مسئولان نالایق بعضی مدارس، دانش آموزان (کودکان) را درگیر خشونت، اهانت، بازداشت و اخراج کرده. این در حالی است که علاوه بر قوانین داخلی، کشور ما، عضو کنوانسیون جهانی حقوق کودک و حقوق بشر

اعتصابات رو به گسترش است، بعد از اعتصابات سراسری بازاریان اکنون شاهد گسترش اعتصابات کارگری هستیم. همچنین بخشهای دیگری از جامعه مثل وکلا، پزشکان، پرستاران، ورزشکاران و سینماگران و غیره به انقلاب می پیوندند. بطور خلاصه میتوان بگویم که انقلاب گرچه از نظر کمی گسترش خطی و مداومی نداشته، که در هر انقلابی قابل انتظار است، ولی از نظر عمق و رشد کیفی، از نظر اشکال مبارزه، و از نظر سازمانیافتگی و آگاهانه تر شدن به پیش رفته و قویتر و قدرتمندتر شده است.

حمید تقوایی راه طی شده و راه پیش رو